نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال نوزدهم – شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵– ۸ صفحه – ۱۰۰۰ تومان



ارائه وضعیت توسعه استان بوشهر توسط استاندار به دولت تدبیر و امید

صفحه۲

باز هم سناریوی تکراری فاجعه در بیمارستان‌ها؛

ناقوس مرگ یا سرنوشت؛ کدامیک گریبان کودک بوشهری را گرفت؟!

صفحه ۷

فرصتی برای توسعه استان بوشهر

رویکرد اطمینان دولت تدبیر و امید به مدیریت بومی

صفحه۵





در اداره فرهنگ و ارشاد بوشهر چه می گذرد؟

بابک شاکر

صفحه۸

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر:

بیمه کشاورزان با جدیت پیگیری می شود



مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: بیمه کشاورزان با جدیت پیگیری می شود تا در قالب کارگاه‌های مشمول کشاورزان تحت پوشش بیمه کشاورزی قرار بگیرند.
به گزارش مهر؛ یونس خسروانی در آئین گرامیداشت روز معلم در تامین اجتماعی شعبه دشتستان، ضمن تبریک ایام رجب، یازدهم اردیبهشت، روز کارگر و دوازدهم اردیبهشت، روز معلم را گرامی داشت و اظهار کرد: معلم دارای دو تعریف عام و خاص است.
وی ادامه داد: تعریف عام معلم این است که هر کس ما را آموزش دهد و در تربیت ما موثر باشد، معلم ما است و معلمینی که به طور خاص، در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها به امر آموزش مشغولند هم در تعریف خاص معلم، می گنجند.
مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر ابراز داشت: طبق اصل ۲۹ قانون اساسی، برخورداری از خدمات در پیری، ازکارافتادگی، بیماری و حوادث، حق آحاد ملت است پس وظیفه ذاتی تامین اجتماعی، حفظ کرامت انسانی است که معلمان باید تعلیم دهنده آن به افراد جامعه باشند.
خسروانی ابراز داشت: سازمان تامین اجتماعی یک نهاد غیردولتی عمومی است که از دولت بودجه دریافت نمی کند و ماهانه چهار میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان مستمری پرداخت می کند.
وی با ابراز خوشحالی از برپایی چنین مراسمی در شعبه دشتستان، بیان کرد: توسعه هر جامعه‌ای ارتباط مستقیم با آموزش و پرورش دارد و هر چه معلمان دغدغه کمتری داشته و به امر آموزش و پرورش دانش آموزان و دانشجویان دقت و توجه بیشتری داشته باشند، جامعه سریع‌تر توسعه خواهد یافت فلذا تکریم و توجه به معلمان، امری ضروری است.
مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر گفت: بیمه کشاورزان با جدیت پیگیری می شود تا در قالب کارگاه‌های مشمول، کشاورزان، تحت پوشش بیمه کشاورزی قرار گیرند.

بیمارستان جدید جایگزین بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان می‌شود

استاندار بوشهر گفت: با توجه به قابل ترمیم و بازسازی نبودن خسارت وارده به بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان، طرح جایگزینی بیمارستان جدید به جای بیمارستان خسارت دیده این شهر ارائه می‌شود.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، مصطفی سالاری در نشست بررسی خسارت وارد شده به بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان به سبب آتش‌سوزی افزود: در این حادثه علاوه بر جان باختن یک شهروند خسارت زیادی به تخت‌های بستری، تجهیزات و ساختمان بیمارستان وارد شد.
وی با قدردانی از دست‌اندرکاران در رسیدگی به مشکلات بیمارستان برازجان بیان کرد: هر چند جان باختن یک بیمار در بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان سبب تاثر و تاسف شد ولی تعامل و همدلی در رسیدگی به مشکلات بیمارستان و انتقال سریع بیماران به بیمارستان شهید گنجی برازجان جای قدردانی دارد.
سالاری با بیان اینکه مشکلات بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان در هیات دولت ارائه شد گفت: پس از ارائه آتش سوزی بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان در هیات دولت معاون اول رئیس جمهوری برای حل مشکلات این بیمارستان دستور لازم را صادر کرد.
سالاری با تاکید بر جایگزین شدن بیمارستان جدید به جای بیمارستان خسارت دیده برازجان افزود: با توجه به قابل ترمیم و بازسازی نبودن خسارت وارده به بیمارستان ۱۷ شهریور، طرح جایگزین بیمارستان جدید به جای بیمارستان کنونی ارائه می‌شود.
وی با تاکید بر اجرایی شدن طرح مطالعاتی بیمارستان جدید برازجان گفت: مطالعه و طراحی بیمارستان جایگزین بیمارستان کنونی ۱۷ شهریور برازجان بر اساس سطح بندی با اعتبارات استانی و دانشگاه علوم پزشکی اجرایی می شود.

ارائه وضعیت توسعه استان بوشهر توسط استاندار به دولت تدبیر و امید



وضعیت توسعه استان بوشهر توسط استاندار بوشهر به دولت تدبیر و امید ارائه شد.
به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، در جلسه هیأت دولت که صبح چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت به ریاست دکتر جهانگیری معاون اول رییس‌جمهوری برگزار شد، استاندار بوشهر گزارشی از آخرین اقدامات انجام شده در زمینه طرح‌های مصوب در استان بوشهر را به هیأت وزیران ارایه داد.
استاندار بوشهر در این جلسه با اشاره به ظرفیت‌های این استان به عنوان پایتخت انرژی ایران و نگاه به توسعه دریامحور، گفت: از ابتدای فعالیت دولت تدبیر و امید با برنامه‌ریزی بر اساس مزیت‌های استان نرخ مشارکت اقتصادی واشتغال به ترتیب ۳,۴ و ۱,۹ درصدی افزایش یافته است.
رشد بازرگانی خارجی و افزایش صادرات غیرنفتی، رشد درآمدهای مالیاتی، افزایش ضریب مکانیزاسیون و سطح زیر کشت محصولات گلخانه‌ای، کاهش جرایم، افزایش سمن‌ها، توسعه شبکه بزرگراهی و پیشرفت‌های قابل ملاحظه در حوزه سلامت، بخش‌هایی از دستاوردهای دولت تدبیر و امید در استان بوشهر بوده است.
بر اساس این گزارش، در حوزه بازرگانی خارجی، استان بوشهر رشد چشم‌گیری در ارزش و حجم صادرات غیرنفتی داشته بطوری که ارزش صادرات غیرنفتی ۹۶,۳ درصد رشد داشته است و از مبلغ ۶,۹۵۹ میلیون دلار در ابتدای دولت یازدهم به ۱۳,۶۶۰ میلیون دلار افزایش داشته ضمن اینکه میزان ارزش واردات بیش از ۱۰ درصد کاهش داشته است.
در حوزه سرمایه‌گذاری نیز تعداد پروژه‌های بهره‌برداری شده در استان بوشهر از آغاز فعالیت دولت تدبیر و امید با رشدی برابر ۱۹۶,۸ درصد به ۹۲۹ پروژه رسیده است.
این گزارش که دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است نشان می‌دهد؛ در بخش توسعه گردشگری نیز از ابتدای فعالیت دولت یازدهم تا امروز تعداد آثار مرمت شده در استان از ۱۳ اثر به ۳۳ اثر افزایش یافته است.
افزایش ۳۲۰۰ درصدی تعداد پزشک متخصص مقیم، رشد ۱۱۰۰ درصدی تعداد رشته مقیمی و افزایش ۳۰۰ درصدی تعداد درمانگاه‌های فعال بیمارستانی و نیز توسعه زیرساخت‌های ورزشی در استان بوشهر و پیشرفت پروژه‌های عمرانی شاخص و کلیدی در دست اجرا شامل سدها و بزرگراه‌ها از دیگر محورهای گزارش یاد شده است.
در این جلسه همچنین پس از گزارش استاندار بوشهر از آتش‌سوزی بیمارستان برازجان و تایید و تاکید دکتر هاشمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دکتر جهانگیری معاون اول رئیس جمهور دستور دادند تا گزارش مربوطه توسط وزارت بهداشت، تهیه و ارائه تا تصمیم لازم برای بازسازی یا احداث تاسیسات جایگزین انجام شود.

آتش در جان بیمارستان برازجان



بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان دچار آتش سوزی شد و در این حادثه یک نفر جان خود را از دست داد.
به گفته مدیرکل مدیریت بحران استان بوشهر این آتش‌سوزی در بخش درمانگاه تخصصی قلب بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان رخ داد که با تلاش‌های نیروهای امدادی این آتش مهار شد.
به گزارش نسیم جنوب از ۱۳ بیماری که در این بخش حضور داشتند، یکی از بیماران که خانمی حدود ۶۰ ساله بوده دچار خفگی شد و جان خود را از دست داده است. بقیه بیماران به بیمارستان شهید گنجی منتقل شده و در سلامت بسر می برند.
گفته می شود این آتش سوزی به علت اتصال برق در بخش مونیتورینگ آی سی یو قلب رخ داد و به بخشهای دیگر سرایت کرد.
در اثر این آتش سوزی بخشهای آی سی یو، قلب و درمانگاه تخصصی بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان آسیب کلی دیده است.
بیمارستان ۱۷ شهریور برازجان بیش از ۴۰ سال قدمت دارد که اخیرا بازسازی شده بود.

قطار بوشهر روی ریل وعده‌ها؛

راه‌آهن حلقه مفقوده توسعه استان بوشهر



استان بوشهر به رغم ظرفیت‌های بسیار زیادی که دارد هنوز به خط ریلی کشور متصل نشده و باید با ایجاد راه‌آهن بوشهر – شیراز زمینه اتصال ریلی خلیج فارس تا دریای خزر فراهم شود.
خبرگزاری مهر – گروه استان‌ها: استان بوشهر دارای بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس است، بیش از ۹۰ درصد نفت کشور از استان بوشهر صادر می‌شود، بخش عمده گاز کشور نیز در این استان تولید می‌شود و صنایع عظیم پتروشیمی در استان بوشهر قرار دارد، این‌ها تنها بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی استان بوشهر است.
تولید بیش از ۷۰ درصد میگوی پرورشی کشور، قطب تولید محصولات خارج از فصل کشور بودن، تولید ۱۵ درصد خرمای کشور، ظرفیت‌های متعدد صید و صیادی، فعالیت‌های گسترده تجاری و بازرگانی، انجام بیشترین میزان صادرات کشور و . . . بخش دیگری از ظرفیت‌های استان بوشهر است. شکی نیست که یکی از مهمترین زیرساخت‌ها برای توسعه اقتصادی و یا به تعبیر بهتر، یکی از حلقه‌های توسعه‌یافتگی، اتصال به خط سراسری ریلی است. خط راه‌آهنی که استان بوشهر از آن محروم است.هر چند مراحل آغازین اجرای خط راه‌آهن بوشهر – شیراز در استان بوشهر آغاز شده است ولی مشکلات اعتباری سال‌های پیش باعث شد تا این پروژه در همان ابتدای کار نیمه‌کاره رها شود و حالا مسئولان در پی ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به این طرح باشند.
پروژه راه آهن بوشهر – شیراز از مصوبات سفر اول دولت احمدی نژاد به استان بوشهر بود که در سال ۸۶ عملیات اجرایی آن در بوشهر آغاز شد، اما به دلیل تامین نشدن اعتبارات مورد نیاز روند اجرای پروژه کند بوده و طی چهار سال گذشته نیز متوقف شده است.

هزینه ۳۰ هزار میلیارد ریالی راه‌آهن بوشهر

مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: بر اساس فهرست بهای سال ۱۳۹۲، اجرای پروژه راه‌آهن بوشهر شیراز به ۳۰ هزار میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.
فرزاد رستمی به اهمیت بالای اجرای پروژه راه‌آهن بوشهر – شیراز اشاره کرد و افزود: اتصال استان بوشهر به خط ریلی کشور می‌تواند توسعه استان بوشهر را سرعت ببخشد.
وی با بیان اینکه خط راه‌آهن بوشهر – شیراز دارای ۴۳۰ کیلومتر طول است، اضافه کرد: عملیات احداث دو قطعه از این خط ریلی در استان بوشهر و همچنین دو قطعه نیز در استان فارس اجرایی شده است. مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر با اشاره به رایزنی‌های صورت گرفته برای تحقق این خواسته مهم مردم استان بوشهر، گفت: زمان دقیقی را برای اجرای پروژه راه آهن بوشهر نمی‌توانیم اعلام کنیم و امیدواریم شاهد مشارکت بخش خصوصی برای اجرای آن باشیم.

اتصال نقاط مختلف کشور با خط ریلی به خلیج فارس

خط راه‌آهن بوشهر شیراز علاوه بر اهمیتی که برای استان‌های بوشهر و فارس دارد، برای کل کشور نیز مفید است و می‌تواند زمینه توسعه ارتباطات ریلی بین جنوب و شمال کشور را به خوبی فراهم سازد.
پروژه راه آهن بوشهر می‌تواند یکی از راه‌های ارتباطی مهم برای کشور باشد که خزر، آسیای میانه و قفقاز را به خلیج فارس اتصال می‌دهد. بوشهر در مرکز خلیج فارس قرار گرفته است و بهترین نقطه برای اتصال دیگر نقاط کشور به خلیج فارس است.
اتصال بوشهر به خط ریلی می‌توانند بهترین نقطه برای مراودات تجاری بین ایران با دیگر کشورها از طریق خط کشتیرانی را فراهم سازد و زمینه ساز توسعه صادرات و واردات باشد.

گوش شنوایی نیست

همه مسئولان استان بوشهر و مردم بر لزوم ایجاد راه‌آهن بوشهر تاکید دارند. نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر در این زمینه گفته است:
با وجود همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های صنعتی در استان بوشهر اما این استان از نظر خطوط ریلی در بن بست قرار دارد.
آیت‌الله غلامعلی صفایی بوشهری اضافه کرد: با وجود نیاز اساسی این استان برای اتصال به خطوط ریلی کشور، اما هر چه برای ساخت راه آهن فریاد می‌زنیم گوش شنوایی نیست.

مذاکره با سرمایه‌گذاران خارجی برای راه‌آهن بوشهر

استاندار بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: استان بوشهر دارای موقعیتی بسیار خوب برای دسترسی به نواحی مختلف کشور است ولی با این وجود خط ریلی کشور به این استان متصل نشده است. مصطفی سالاری از پیگیری جدی برای تحقق اجرای راه‌آهن بوشهر خبر داد و اضافه کرد: اتصال استان بوشهر به خط ریلی کشور که تا استان فارس نیز رسیده است، کوتاه‌ترین مسیر جنوب به شمال و کشورهای آسیای میانه را فراهم خواهد کرد. وی با اشاره به اینکه اتصال استان بوشهر به خط ریلی شیراز، اثربخشی خط ریلی کشور را افزایش می‌دهد، افزود: با تکمیل خط ریلی بوشهر به شیراز کریدور جنوب به شمال کشور محقق خواهد شد. استاندار بوشهر افزود: طرح راه‌آهن بوشهر شیراز مصوبه شورای اقتصاد را نیز دارد و برای اجرای آن با طرف‌های خارجی نیز مذاکراتی صورت گرفته است و امیدواریم شاهد تسریع در اجرای این طرح باشیم.

مردم چشم‌انتظار مسئولان

غلامرضا شافعی معاون نظارت راهبردی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی چندی پیش در نشست شورای برنامه‌ریزی استان بوشهر گفته بود: یکی از مهم‌ترین اولویت‌های این سازمان اجرایی شدن طرح راه‌آهن بوشهر به شیراز است که این پروژه باید در دستور کار برای ساخت قرار گیرد.
اجرای خط راه‌آهن بوشهر – شیراز یکی از دغدغه‌ها و خواسته‌های همیشگی مردم استان بوشهر بوده است و حالا نیز چشم‌انتظار همت مسئولان هستند تا ببینند چه موقع این طرح اجرایی می‌شود.

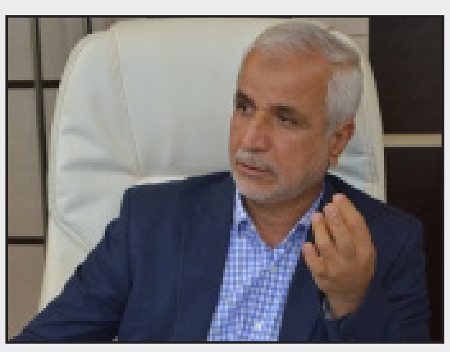
رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر خبر داد:

راه‌اندازی پژوهشکده آب در دانشگاه خلیج فارس بوشهر



رئیس دانشگاه خلیج فارس بوشهر از راه‌اندازی پژوهشکده آب در دانشگاه خلیج فارس بوشهر خبر داد.
به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شرکت آب منطقه‌ای بوشهر، عبدالمجید مصلح در آیین انعقاد تفاهم‌نامه همکاری میان این دانشگاه با شرکت آب منطقه‌ای استان بوشهر اظهار داشت: با توجه به کادر مجرب و ظرفیت این دانشگاه در حوزه آب، مفاد این تفاهم‌نامه بطور کامل اجرا می‌شود.
مصلح از تشکیل اتاق‌های فکر در دانشگاه خلیج فارس بوشهر خبر داد و گفت: تمرکز روی موضوعات خاص، تعیین افق‌های ۵ تا ۱۰ ساله در قالب چند موضوع بصورت متمرکز و اجتناب از پراکندگی مطالب و نیز داشتن اهداف مشخص و ملموس، عواملی هستند که زمینه این همکاری مشترک را دو چندان و اجرای بهتر و کامل‌تر این تفاهم‌نامه را در پی دارد.
وی با بیان اینکه آب و عرصه‌های زیست محیطی از پارامترهایی هستند که در بیشتر پروژه‌ها مغفول مانده است گفت: با توجه به اینکه مشکلات آب و زیست محیطی که در پروژه‌های استان بوشهر مغفول مانده با راه‌اندازی پژوهشکده آب در این دانشگاه، مشکلات بررسی و راهکار لازم ارائه می‌شود.

میگلی‌نژاد: پروژه های شهرداری بوشهر باید پیوست زمانی داشته باشد



شهردار بوشهر بر الزام رعایت پیوست زمانی پروژه های عمرانی بوشهر تاکید کرد.
به گزارش روابط عمومی شهرداری بوشهر؛ غلامعلی میگلی نژاد در شورای معاونین با بیان این مطلب اظهار داشت: با توجه به حجم بالای پروژه هایی که برای سال ۹۵ توسط شهرداری برای شهر بوشهر در نظر گرفته شده است باید حتماً به منظور ارتقاء سطح کمی و کیفی آنها نسبت به تنظیم دقیق جدول زمانی اقدام جدی صورت گیرد.
میگلی نژاد با تاکید بر اینکه هدف ما در شهرداری بوشهر اجرای پروژه هایی با کیفیت در کمترین زمان ممکن است افزود: داشتن جدول زمانی دقیق، پیمانکاران متعدد شهرداری را ملزم به رعایت زمان دقیق تحویل پروژه می کند.
میگلی نژاد تاکید کرد نظارت مستمر واحد عمرانی شهرداری بر این پروژه ها باعث می شود که همه پروژه ها چه بزرگ چه کوچک، با کیفیتی بالا جهت استفاده شهروندان مهیا شود.

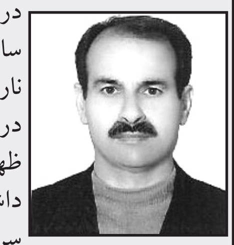
پاکبانان بوشهری آموزش ایمنی و سلامت دیدند

نشست آموزشی کارکنان پاکبان سازمان مدیریت پسماند شهرداری بوشهر به مناسبت روز جهانی کارگر در سالن اجتماعات سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد.
به گزارش روابط عمومی مرکز بهداشت بوشهر، مسئول دخانیات مرکز بهداشت در خصوص آشنایی با عوارض مصرف سیگار و دخانیات در این نشست گفت: بر اساس تحقیقات سازمان جهانی بهداشت در هر ۸ ثانیه یک نفر در دنیا به علت استعمال دخانیات جان خود را از دست می‌دهند.
رضا تندی افزود: سیگار کشیدن مضر و زیان‌آور است، نه تنها به دلیل وجود رابطه بین سیگار و سرطان ریه، بلکه مصرف سیگار عوامل خطرزای بیماری‌های قلبی عروقی را افزایش می‌دهد و اگر سیگار مصرف کنید، خطر حمله قلبی یا سکته مغزی در شما دو برابر افراد غیر سیگاری خواهد بود.
فاطمه جلالی کارشناس بهداشت حرفه‌ای در خصوص روش‌های کنترل استرس شغلی اظهار داشت: استرس شغلی در حال حاضر به عنوان یک مسئله جهانی در همه کشورها و حرفه‌ها و تمام کارگران در کشورهای توسعه‌یافته مطرح است و در این زمینه محل کار به عنوان یک محیط ایده آل برای رسیدگی به این معضل می‌تواند باشد.
در پایان این نشست مباحث علمی پیرامون هپاتیت‌های منتقله از راه خون، ایدز و رعایت اصول بهداشتی توسط محمدرضا شهسواری کارشناس مبارزه با بیماری‌ها ارائه شد.

مقاله
شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

پوپولسیم و پیشینه تاریخی آن

دکتر عباس حاتمی



در دهه ۱۸۶۰ در شوروی سابق گروهی بنام نارودیکها (مردم باوران) در میان تندروهای روسیه ظهور کردند که اعتقاد داشتند روسیه بجای سرمایه داری، مستقیم به سوسیالیسم برسد. اساس این تفکر را "کمون های" روستایی تشکیل می دادند. به این ترتیب آنها تفکری را بنیان نهادند که به حکومت توده و آریا عوام باور (Populism) مشهور شد.
ریشه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی پوپولیسم در جوامع مختلف متفاوت است ولی بطور کلی ارکان پوپولیسم بشرح زیراست:
۱- جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده های کلی و مبهم نظیر برابری، برادری، جهادگر، عدالت، پیشرفت و... بدون ارائه معیار و راهکار عملی.
۲- پیشبرد هدف های سیاسی مستقل از نهادهای مدنی، دانشگاهها و احزاب موجود، با فراخوانی و بسیج توده ها و فرار از مناظره با کارشناسان و متخصصان.
۳- مخالفت اساسی با جامعه مدنی و علوم انسانی مدرن و ایجاد اختلاف بین توده ها و روشنفکران.
در نظام هایی با خصلت پوپولیستی به جای این که مشارکت سیاسی افراد همراه با آگاهی و بینش کامل و به شکل نهادینه و نظام مند باشد، به شکل مشارکت توده ای وهمراه با احساسات و هیجانات مخرب تحت تاثیر تبلیغات مختلف حکومت با پخش کالا و امتیاز اقتصادی کوتاه مدت می باشد و در امتداد این روند پوپولیستی در مدیریت جامعه حکومت خصلتی اقتدارطلب با ساخت قدرت انحصارگرایانه پیدا می کند.
عواقب پوپولیست:
پوپولیسم بمعنی عوام گرایی، توده مردم باوری، غیرکارشناسی و غیرعلمی است.
کاربرد این واژه وقتی است که جامعه فاقد دانش واژه شناسی قاعده مند در حوزه عمومی باشد، در این حالت سیاستمداران پوپولیست طلب با سوءاستفاده از کم سوادی جامعه برای انحراف افکار عمومی بسوی منافع شخصی یا گروهی خود، دست به رفتارهای به ظاهر مردمدارانه یا خیرخواهانه، ولی از نظر کارشناسان عوام گرایانه (پوپولیستی) می زنند و در پی مشروع سازی کاذب خود با انتخابات صرفا "کمی" و نه "کیفی" هستند.
رهبران پوپولیست از نارضایتی ها و حق طلبی های توده های گرفتار جامعه سوء استفاده کرده و با سوار بر احساسات و غرایز مردم، برای مسائل پیچیده راه حل های ساده و غیرقابل اثبات می دهند.
نمونه ای از رفتارهای عوام فریبانه:
۱- رهبران پوپولیست از انتخابات آزاد و حزبی فرار می کنند و فقط خواستار رأی دادن ناآگاهانه مردم هستند.
۲- برخی مدیران دولتی تا پاسی از شب در ادارات دولتی تحت عنوان حضور در جلسه می مانند و هزینه های اداری دولت را بالامی برند در حالی که مدیر باید بین کار سازمانی و زندگی شخصی تقسیم کار ایجاد کند.
این رفتار مدیران نشان دهنده انحصاری بودن تصمیمات، تمرکزگرایی و یا القای زحمتکش بودن مدیر است.
مدیران توانمند آنقدر تقسیم کار و تفویض اختیار دارند که حداکثر ساعت ۶ بعدازظهر اداره را تعطیل می کنند و در خدمت زندگی شخصی و خانوادگی خود هستند.
۳- پخش پول و فقرنوازی بجای ایجاد شغل و کارآفرینی مانند اغلب کشورهای نفت خیز.
۴- فرار از نخبگان و احزاب بدلیل پرسشگر بودن آنها، تخریب و تحقیر احزاب و نهادهای مدنی با استفاده از واژه های مثل "حزب بازی، جناح بندی، سیاسی کاری".
۵- ناآگاه و کم سواد نگهداشتن مردم و پنهان کردن اطلاعات به بهانه امنیتی.
۶- پوپولیستها با گفتمان و تدریس علوم سیاسیی مدرن مثل دمکراسی، لیبرالیسم، حقوق بشر و... مخالفت می کنند، بجای غرب شناسی به غرب ستیزی روی می آورند، بنابراین از فلسفه های نوین علمی تبعیت نمی کنند و قادر به تحمل نوآوریهای علمی و تکنولوژیکی نیستند، در نتیجه در مقابل نوآوری و تکنولوژی مقاومت می کنند و تفسیر "من درآوری" از علوم و توسعه دارند.
۷- ترساندن مردم از دشمن خارجی فرضی یا قحطی، نگاه کوتاه مدت به مدیریت کلان.
۸- پرهیز از مناظره و گفتگو با اساتید و صاحبنظران منتقد و حاضر شدن در جمع مردم گرفتار و فقیر و ترویج فقرنوازی بجای فقرستیزی.
برخی رهبران پوپولیست جهان: سرهنگ قذافی (منشور سازمان ملل را پاره کردند)، هوگو چاوز در ونزوئلا، هیتلر در آلمان، رهبران دیکتاتور با شعار مبارزه با امپریالیزم در الجزایر، خادمین شرفین در عربستان یا رهبر داعش که انتخابات آزاد و رقابتی را جایگزین بیعت کردند. بیعت یعنی تبعیت یک طرفه مردم و پاسخگوی نبودن حاکم.

اصلاح طلبان و رویکرد دوگانه به مجلس

مرتضی رضائی

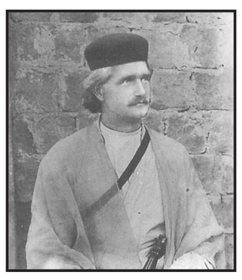
با وقوع انتخابات شک آور هفتم اسفند ماه، صحنه سیاسی کشور در حال تغییر و گرفتن آرایش تازه ای به خود است. در امتداد همان انتخابات دو واقعه مهم در یک ماه گذشته روی داده که در پیوند با یکدیگر آینده سیاسی ایران را برای سال ها رقم خواهند زد.
نخستین و بلافصل ترین نتیجه این انتخابات، تغییر ترکیب مجلس و به دنبال آن تغییر هیئت رئیسه آن است. بنا به شواهد و قرائن دو رقیب جدی، برای تصدی ریاست مجلس آینده وجود دارد: آقایان دکتر لاریجانی و دکتر عارف. تمامی گمانه زنی ها در خصوص چند و چون رقابت یا ائتلاف میان آن دو می باشد که البته با توجه به عدم یک مدعی سرسخت در طیف تندروان و محافظه کاران افراطی که رقبای مشترک جناح اصلاح طلب و اعتدالیان در پیوند با طیف میانه رو اصولگرایان بودند، شکل گیری ائتلاف میان محافظه کاران و اصلاح طلبان از موضوعیت افتاده و لاجرم شاهد وقوع رقابت سرسختانه ای میان این دو طیف خواهیم بود.
رویداد دوم که فضای سیاسی کشور را به شدت متأثر از خود کرده است، اگرچه نتیجه مستقیم انتخابات هفتم اسفندماه محسوب نمی شود، اما به دنبال آن رخ داده است و آن هم اعلام رسمی حضور آقای احمدی نژاد در انتخابات آینده ریاست جمهوری است. اعلام حضوری که شاید از دیدگاه بسیاری از رصدکنندگان فضای سیاسی ایران به دور از ذهن نبود و زمزمه بازگشت احمدی نژاد به عرصه قدرت و سیاست از همان فردا روز شکست سنگین اصولگریان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ به گوش می رسید. زمزمه ای که درست انعکاس نحوه خروج احمدی نژاد و خواب های درو و دراز او جهت اجرای الگوی پوتین-مدودف در ایران محسوب می شد.
اما این دو واقعه در پیوند با یکدیگر چگونه فهمیده می شوند؟ چه ارتباطی میان این دو واقعه وجود دارد؟ اصلاح طلبان چه فرصت ها و چه تهدیدهایی را باید در دل این موقعیت ها متصور باشند؟ ریاست آقای عارف بر تخت سبز مجلس، آیا به سود اصلاح طلبان خاتمه خواهد یافت یا جریان اصلاحات را متضرر از خود خواهد کرد؟ حضور آقای احمدی نژاد در انتخابات چطور؟ فرصت است یا تهدید؟
نگارنده به وضوح می داند این پرسش ها پرسش های خطیری هستند که روشن شدن ابعاد و وجوه گوناگون آن نیاز به سلسله مباحث ممتد و متنوع دارد. رصد کلی فضای سیاسی ایران، نشان دهنده رقابت بسیار سخت جریان تحول خواه با جریان اصولگرا خواهد بود. جریانی که پس از شکست های اخیر خود به شدت زخمی بوده و به هراس افتاده... هراسی که اگر مدیریت نشود، واجد توانایی خلق بحران های پیاپی از یک سو و محافظه کار تر شدن دولت آقای روحانی از سوی دیگر است.
این مطلب که جامعه ایران، به لحاظ مطالبات متعدد و متنوع اجتماعی، مطلقا پاسخ درخوری دریافت نکرده، مطلب تازه و جدیدی نیست. سال هاست عموم تحلیل گران دلسوز از وجود بحران های انباشت شده ای خبر می دهند که می تواند در مقاطع حساس سر باز کرده و چالش های اساسی پیش روی ثبات سیاسی و کلیت کشور ایجاد کند. برخاسته از همین مطالبات و همین احساس خطرهای به حق و سنجیده، جریان اصلاح طلب و عملگرا با مدیریت فضای درون جناحی و درون گفتمانی خود توانستند در اوج فشارهای فزاینده دولت و مجلس را در دست بگیرند. اما این پیروزی ها نتیجهٔ قطعی و پایداری به همراه نداشته و با توجه به زمان باقی مانده امکان ایجاد یک تغییر ساختاری نیز که بتواند برای مدت ها در دل نظام تصمیم گیری کشور باقی بماند، دیده نمی شود. این عدم ایجاد یک تغییر ساختاری که بتواند نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری را بر



اساس عقلانیت جمعی و عرفی متحول و اصلاح کند، زمینه را برای بازگشت جریان پوپولیست و ابن الوقتی که همه چیز را بر مزاج و ملاک اکنون و امروز اداره می کند، فراهم می آورد.
دولت آقای روحانی به زودی وارد آخرین سال ریاست جمهوری خود خواهد شد. به گواه شواهد و قرائن دست آوردهای چشمگیری در حوزهٔ اقتصادی و توسعه سیاسی به ارمغان نیاورده است. این مطلب نه از جهت تضعیف و یا زیاده خواهی از دولت اعتدال گفته می شود و یا نه از سر رادیکالیسم و خواربینی و کم بینی دست آوردهای مهم آقای روحانی، بلکه از این زاویه به این مطلب نگریسته می شود که حجم مطالبات بر زمین مانده، مقدار بالای توقعات برحق و اولیه برآورده نشدهٔ شهروندان و انبوهٔ یاس و سرخوردگی که دولت امید نتوانسته مبدل به اعتماد و امیدواری کند، زمینه ساز شکل گیری جنبش های سلبی خواهد بود.
بازگشت احمدی نژاد درست در این فضای سیاسی با توجه به ناتوانی دولت در خروج از رکود و ایجاد فضای رشد و رونق اقتصادی از یک سو، و یاس طبقه متوسط از تغییرات بنیادین چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاسی، ممکن است به شکل گیری جنبش های دفعی بیانجامد. جامعه توده وار ایران از این گونه رفتارهای پیش بینی ناپذیر از خود بارها بروز داده است. احمدی نژاد بر موج کسانی سوار خواهد شد که گوشی برای شنیدن افکار و آراء جبهه اصلاحات نخواهند داشت، وقتی کسی از شعار اغواگر یارانه ۲۵۰/۰۰۰ تومانی سخن به میان می آورد.
اما این مطلب چرا باید در پیوند با تشکیل پارلمان جدید، سنجیده شود؟ تشکیل پارلمان جدید، پس از دوازده سال، اصلاح طلبان را در کسوت اکثریت در مجلس خواهد نشاند، همان جبهه و جناحی که در مجلس ششم، به عنوان اقطاب مجالس ایران، هیچ نتوانست، تأکید می شود، هیچ نتوانست که تغییری بنیادین و برگشت ناپذیر چه در مسئلهٔ توسعه سیاسی و چه در مسئلهٔ توسعهٔ اقتصادی ایجاد کند. روشن و واضح است که نگارنده به قاطعیت می داند این مهم ترین مجلس، به عنوان اقطاب مجالس پسا انقلاب دست آوردهای مقطعی بسیار چشمگیر و بزرگی در کارنامه خود ثبت نمود، اما دولت مهروز احمدی نژاد دقیقا با رویکرد تباه کردن همهٔ آن دست آوردها بر سر کار آمد و دیدیم که چه قدرت بی نظیری در ویرانه سازی آنچه که به خون دل به بار آمده بود از خود نشان داد و ساطع کرد. این مسئله ناظر به این مطلب است که مجلس و دولت اصلاحات، همچون دولت اعتدال و احتمالا مجلس پیش رو، نتوانستند علی رغم شعارهای خوش آب و رنگ و به رغم توانایی های بسیارشان و برخلاف دست آوردهای مهم مقطعیشان، هیچ اصلاحات ساختاری و نهادی را بنیان بگذارند تا بتواند مسئولیت حراست این دست آوردها را به انجام برساند.
با توجه به این معضلات که در این مقدمهٔ فشرده به آن اشاره شد و جا دارد بیشتر مورد بررسی و امتنان نظر قرار بگیرد استراتژی هایی که پیش روی مجلس و رویکردهای آن پیش بینی می شود می تواند در دو رویکرد اساسی لحاظ شود:
رویکرد اول مبتنی که تلاش حداکثری و مشارکت همگانی برای نیل به دست آوردهای عمیق در اصلاح بنیان های تصمیم سازی است. این تلاش حداکثری اگرچه فضای کاذب کنونی را خواهد شکست و چالش های مهمی را پدید خواهد آورد، اما این پتانسیل را دارد که نتایج پایداری را برای کشور به ارمغان آورد. روال قانون گذاری که از سه رکن مجلس شورا، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکیل شده و قوانین در پاس کاری میان این سه رکن، چکش کاری می شوند، ظرفیت های معطل ماندهٔ بالایی دارد که بتواند چنین اصلاحات ساختاری را برآورده کند. در این استراتژی هیئت رئیسهٔ قدرتمندی به رهبری عارف می تواند بسیار موثر بوده و کارساز باشد.
در جریان این استراتژی احتمالا بخش هایی از دولت آقای روحانی با مجلس همراهی نخواهند کرد. اما از سوی دیگر بسیاری از جریانات خاموش ماندهٔ اصلاحات را فعال خواهد کرد و جامعه وارد جنبش و کنش مثبت خواهد شد. در مقابل، جریان اصولگرا به شدت به وحشت درآمده، به شدت با هم همبسته خواهند شد و احتمالا جریانات تندرو دست بالاتری پیدا خواهند کرد تا بتوانند با توجه به قدرت خلق بحران و مدیریت آشوبناک خود، بدنهٔ بی سر ماندهٔ اجتماعی این جریان را راهبری کنند. جریان اصولگرایی که شکست های سنگینی متحمل شده و چهره های سنتی تر آن توانایی کسب اقبال عمومی و ایجاد جریان در پشت سر خود را ندارند، تن به راهبری محافظه کاران رادیکال داده و زمینه برای قدرت گیری و اوج گیری محمود احمدی نژاد بیشتر از گذشته فراهم می شود. جریان اصلاح طلب و اعتدال نباید و نمی تواند دل خوش کارنامهٔ منفی آقای احمدی نژاد باشد که به شدت زیر سوال است. دلایل آن خارج این بحث حاضر است.
استراتژی دوم مبتنی بر غرق شدن مجلس در امور جاری کشوری و منازعات بی پایان امور روبنایی است که البته بسیار مهم و حائز اهمیت است. در این استراتژی الزامی ندارد که عارف رئیس مجلس باشد. بودن عارف در هیئت رئیسه عملا اختلاف معناداری در رویکرد کلی پارلمان و یا هیئت دولت به وجود نخواهد آورد. عدم حضور عارف در هیئت رئیسه و واگذاری رقابت به اصولگرایان، می تواند به اصلاح طلبان در بدنهٔ اجتماعی این پالس را صادر کند، که ما صرفا در مقام نگهبانی هستیم که از خرابکاری اصولگرایان جلوگیری کنیم. اما از آنجا که قدرت در دست ما نیست، مسئولیتی نیز بر عهدهٔ ما نخواهد بود. این استراتژی همانند بیعت امام رضا (ع) با مأمون است که در قدرت مشارکت نکرد و صرفا حضورش ساختارهای ضد شیعه را تعدیل نمود. در این مناسبات که اصلاحات قصد خروج از فاز بی تحرکی نداشته و انگیزهٔ انتخاب رویکرد جنبش و کنش مثبت ندارد، می تواند ضمن تعدیل رفتار های عقلانیت ستیز اصولگرایان، بار مشکلات را کماکان بر عهدهٔ آن ها نهاده و شکاف میان آنان را تعمیق کند. این تعمیق شکاف میان آنان، زمینه را برای فعالیت های مثبت آیندهٔ اصلاحات در دل همین مجلس و ساختار فراهم خواهد آورد.
در این استراتژی قابل پیش بینی است با بر سر کار ماندن لاریجانی در مجلس، جریان اصولگرایی با تشدد آرا مواجه شده و زمینه برای چند کاندیدایی آن ها در انتخابات پیش روی ریاست جمهوری فراهم شود. اما به نظر نمی رسد که پارلمان بتواند کار موثری برای آینده ایران در این رویکرد به سرانجام برساند. این پارلمان نیز همچون دولت اعتدال تن به روزمرگی سیاسی خواهد داد و صرفا در فضاهایی که از بیرون از پارلمان برای آن مجاز اعلام شده است، بازی خواهد کرد. دولت و مجلس در تعامل با هم فضا را مدیریت کرده، شاید در مدت باقی مانده اندکی فضای کسب و کار را بهبود ببخشند و دیگر هیچ. اما دست آورد این استراتژی این خواهد بود که جریان اصولگرایی کماکان آشفته و بی سر مانده و توانایی رقابت با روحانی در انتخابات پیش رو را از دست خواهد داد.
بنابراین این دو رویداد در تضایف و همبستگی با هم باید فهمیده شود. نحوه مدیریت احمدی نژاد و جریان اصولگرایی باید در دست جریان اصلاح طلب باشد. اصلاحات ساختاری می تواند بودن یا نبود احمدی نژاد در قدرت را بلاموضوع کند، چرا که مکانیسم های کنترل کننده ای به وجود خواهد آمد، که رفتارها و مدیریت های گعده ای و خلق الساعه ای را منتفی خواهد ساخت. عدم رفتن به این سو، بودن یا نبودن احمدی نژاد در انتخابات را احتمالا بلاموضوع خواهد کرد، چرا که جریان اصولگرایی اگر مجلس را به طور کامل از دست ندهد، بعید است که پشت سر احمدی نژاد ائتلاف کند. بنابراین بودن یا نبودن عارف در هیئت رئیسه، تابعی از برنامه آینده جبهه اصلاحات خواهد بود. جا دارد این جبهه از برنامه های روزمره و صرفا کوتاه برد کنونی خارج شده و به کنش مثبت و سازنده وارد شود. تعلل بیش از اندازه نمی تواند حتی مواضع کنونی را برای ما در آینده حفظ کند. تجربه این را نشان داده و جمیع نشانه ها حکایت از همین خطر برای آینده دارد.

زندگی و اقدامات لارنس آلمانی در ایران

مرضیه یحیی آبادی



جنگ بین الملل اول، در سال ۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق به وقوع پیوست. موضع گیری سیاسی ایران به هنگام وقوع جنگ، اتخاذ سیاست بیطرفی به عنوان مناسب ترین گزینه در آن برهه زمانی بود. در آغاز جنگ بزرگ، دولت ایران توسط سفارتخانه‌های خود در کشورهای خارجی، بیطرفی خود را اعلام کرد و از دولتهایی که در خاک ایران نیرو داشتند تقاضا کرد، با احترام به بیطرفی ایران، قسمتهای اشغالی را تخلیه نمایند؛ اما دولتهای ذینفع، نه تنها به این اعلامیه اعتنایی نکردند؛ بلکه قوای خویش را در ایران تقویت نمودند.
با آغاز جنگ، چشم امید ایرانیان به نیروی سوم یعنی آلمان دوخته شده بود. آلمان از نظر ایرانیان ــ حداقل در رابطه با ایران ــ به روش استعمارگرانه نپرداخته بود. ایرانیان از این که می‌دیدند آلمان با روس و انگلیس، وارد جنگ شده، شادمان بودند و پیروزی آلمان را به یک معنی پیروزی خود می‌دانستند. چرا که با شکست روسیه و انگلیس، ایران نیز از قید نفوذ سیاسی آن دو دولت آزاد می‌شد. سیاستمداران آلمانی نیز از این مسئله استفاده کردند و فعالیتهای خود را در ایران گسترش دادند. به آزادیخواهان ایران نزدیک شدند و ایلات و عشایر را بر ضد انگلیس شوراندند. «ویلهلم لیتن» یکی از کارگزاران سیاسی آلمان که در اثنای جنگ جهانی اول در ایران فعالیت داشت می‌گوید: همانطور که در کشورهای بیطرف معمول است وظیفه ما عبارت بود، از فعالیت در جهت جلوگیری از سمتگیری موفق کشور میزبان به سود دشمن و حتی‌الامکان کشاندن آن کشور به اردوی خود، اما در ایران داشتن چنین عقیده‌ای خطا و اشتباهی آشکار بود؛ چه، ایران به قدری از روسیه و بریتانیا سابقه تلخ داشت که ایرانیان، بدون هیچ تبلیغی، از بدو امر طرفدار آلمان محسوب می‌شدند. ۱
عمال سیاسی و نظامی آلمان در ایران در سراسر کشور مشغول فعالیت بودند. این تلاشها در سالهای نزدیک به جنگ جهانی اول، شروع و طی سالهای جنگ به طرز فزاینده ای رو به گسترش نهاد. مأموران آلمانی با تدبیرها و شیوه‌های خاصی جامعه ایران را بر ضد اتباع و منافع روسیه و بریتانیا به شورش واداشتند. یکی از این دیپلماتهای آلمانی که طی جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م/۱۳۳۶-۱۳۳۲ق)، منشأ یک رشته تحرکات و اقدامات ضدانگلیسی در جنوب ایران بود، «واسموس» نام داشت.
«ویلهلم واسموس» ۲ در سال ۱۸۸۰م، در ایالت هانور به دنیا آمد و مسقط الرأس او شهر اهلندورف واقع در دره کزلاریکی از توابع هارز می‌باشد. وی پس از تحصیل در رشته های حقوق و شرق شناسی در سال ۱۹۰۶م، در وزارت خارجه آلمان مشغول کار شد و بعد از مدتی به ماداگاسکار رفت. البته دوران مأموریت وی در آنجا مدت زیادی به طول نینجامید و پس از مدتی به برلن احضار و سپس در سال ۱۹۰۹م، با عنوان کنسول عازم بوشهر گردید. ۳ باید به ذکر این نکته بپردازیم که دولت آلمان در سال ۱۸۹۷م، یک نایب کنسولگری در بوشهر ایجاد کرد که خیلی زود به کنسولگری تبدیل شد و نفوذ خود را در بنادر خلیج فارس توسعه داد. واسموس، پس از یکسال از بوشهر به برلن مراجعت نمود و مجدداً راهی ماداگاسکار شد و سه سال متوالی بدون اینکه با اروپائیان رفت و آمد کند یا اوقات خود را در باشگاهها بگذراند به تحصیل زبان فارسی پرداخت و در سال ۱۹۱۳م، باز به بوشهر عزیمت کرد. اما این بار مستقیماً به محل مأموریت نرفت و ابتدا عازم تهران شد تا با وزیرمختار آلمان ملاقات و از او کسب دستور کند.
واسموس، در زمان توقف در تهران متوجه شد که مردم نواحی شمالی ایران با ایلات و عشایر جنوب تفاوت فراوانی دارند، زیرا مردم نقاطی که کمتر تحت نفوذ استعماری بریتانیا قرار گرفته آن اندازه از آن دولت متنفر نیستند و حتی برخی اوقات قهرمانان انگلیسی را که با حیله و تدبیر، کشور بزرگی چون هندوستان را به تصرف درآورده بودند به دیده تحسین می‌نگرند.۴ از اینرو، افراد تنگستان فارس را برای اجرای مقاصد خود بیشتر مناسب دید. واسموس، از چهره های مشهور آلمانی بود که بر ضد متفقین تبلیغات می‌کرد. کسی که به قیاس لورنس عربستان ــ که مأمور انگلیسی بود ــ «لورنس آلمان» خوانده‌اند. وی در دوران جنگ جهانی اول سعی در تحریک و دامن زدن به مبارزات و خیزشهای مردمی و ایلاتی در جنوب ایران علیه سیاست بریتانیا داشت و در تحولات جنوب نقش برجسته‌ای ایفا نمود. ادامه دارد...

ادب و هنر
شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

با حضور شاعران غزل‌سرای ۴ استان؛

نشست تخصصی بررسی وضعیت امروز غزل ایران در گناوه



با حضور بزرگان غزل نو ایران و به مناسبت سالگرد درگذشت استاد حسین منزوی، نشست بررسی وضعیت امروز غزل ایران در گناوه برگزار شد.
به گزارش خبرنگار مهر، بخشدار مرکزی شهرستان گناوه در حاشیه این نشست در گفتگو با خبرنگار مهر در زمینه برگزاری این نشست های تخصصی در شهرستان اظهار داشت: قطعا برگزاری این گونه نشست‌ها در شهرستان گناوه نشان از پویایی انجمن‌های هنری گناوه و به ویژه انجمن آدینه ادبی دارد.
امیری بیان داشت: برگزاری این کارگاه های تخصصی در گناوه بر شناخت شاعران استان ما از روند جاری غزل امروز ایران کمک شایانی می کند و باعث همگامی شاعران استان با سطح نخست شعر و غزل امروز ایران خواهد شد.
رئیس انجمن آدینه ادبی گناوه در این نشست در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: در این نشست تخصصی شاعران غزلسرایی از استان های تهران، اصفهان، خوزستان و بوشهر حضور داشتند.
دکتر حسین جلالپور گفت: نشست ما در دو نوبت صبح و عصر در محل انجمن آدینه ادبی واقع در مجتمع فرهنگی هنری خلیج فارس شهر گناوه انجام و شاعران در آن به بررسی وضعیت امروز غزل نو ایران پرداختند.
جلالپور در ادامه افزود: نخست محمدعلی بهمنی در پاسخ به این پرسش که کدام ضرورت باعث شد که شما و حسین منزوی به تغییر در آنچه غزل آن روز بود دست بزنید، گفت: ورود نیما و پیشنهادهای تازه‌ی او به شعر فارسی باعث این تغییرات بود.
وی در ادامه به بخش دیگری از پاسخ محمد علی بهمنی درباره علت تغییر در غزل آن روز پرداخت و اضافه کرد: ما با راهنمایی منوچهر نیستانی دست به نوسازی غزل فارسی زدیم و این پیشنهادها و تازگی آنها و نیز ورود این پیشنهادها به شعر بزرگترین عامل این تغییرات بوده است.
جلالپور با اشاره به سخنان محمدعلی بهمنی در زمینه بیشترین میزان تاثیرگذاری در میان شاعران معاصر در غزل امروز ایران متذکر شد: سهم حسین منزوی در این دگرگونی و تازه‌شدن بیش از دیگران بوده است.
رئیس انجمن ادبی گناوه گفت: در ادامه محمد سعید میرزایی در مورد تغییرات غزل در دهه‌ی هفتاد گفت و اشاره کرد که نام‌های متفاوتی که امروز از غزل می‌شنویم مثل غزل پست‌مدرن، غزل خودکار و... تنها برای پنهان کردن تاثیرپذیری شاعران شان از غزل دهه‌ی هفتاد ساخته شده و نه چیز دیگر!
جلالپور با تقدیر از همه کسانی که در برگزاری این نشست سهمی داشتند، تصریح کرد: نشست صبح با صحبت درباره چگونگی برخورد شاعران با مخاطب و مخاطب با شاعر به پایان رسید. نشست بعد از ظهر با صحبت درباره‌ی جریان‌های غزل و اینکه آیا کدام یک از این‌ها زاییده‌ی سیر طبیعی غزل فارسی است ادامه یافت.
نائب رییس انجمن آدینه ادبی گناوه نیز با اشاره به برگزاری نشست بررسی وضعیت امروز غزل نو ایران در گناوه به تشریح بخشی از آن پرداخت و اظهار کرد: در نشست صبح دکتر حسین جلال‌پور درباره‌ی معاصر بودن و نمونه‌های متفاوت غزل یکی دو دهه‌ی اخیر سخن گفت و این سؤال را مطرح کرد که معاصر بودن یعنی چه و آیا همه‌ی شاعرانی که در یک دوره با هم زندگی می کنند و دست به آفرینش ادبی می‌زنند با همدیگر معاصرند؟ آیا غزل‌های امروز همگی معاصرند؟
مهدی بیات نسب گفت: همچنین در نشست بعدازظهر جلال‌پور در مورد وجه هنری غزل‌هایی که ارائه می‌شود صحبت کرد.
بیات نسب با اشاره به اینکه توصیف جلالپور از هنر اصیل اضافه کرد: هنر اصیل، هنری است که امتیازهای هنری‌اش مخصوص خودش باشد، آنها را از خودش بگیرد و در اثری دیگر تکرار نشود، پس زمانی که اثری این امتیازها را از اثری دیگر اخذ کند یک شکل هنری محسوب نمی‌شود.
نائب رئیس انجمن آدینه ادبی گناوه در پایان گفت: حمیدرضا وطن‌خواه، غلامرضا طریقی، عبدالله رئیسی، عنایت چرزیانی، ایمان عباس‌پی و حسن فرهادی دیگر کسانی بودند که درباره‌ی جنبه‌هایی از غزل امروز نظراتشان را بیان کردند.

علی مرادی شاعر جوان در مصاحبه با نسیم جنوب:

مدرن بودن توجیه مناسبی برای کشتن محتوا در بسیاری از شعرهای امروز، نیست

مصاحبه از فریبا درویشی



– به نظر شما آیا شعر باید پیام خاصی داشته باشد؟
– به قول شاملو: رسالت هنر تغییر بنیادین جهان است.
درست است بخشی از هنر برای سرگرمی هست اما هنری که شعور تاریخی نداشته باشد و جایگاه انسان را در ناکجایی که ایستاده است مشخص نکند هنر مبتذلی هست حالا چه شعر باشد چه سینما.
– بعضی از شاعران نوع و جنس شعرشان خاص خودشان است. شعرهای شما چگونه است؟
– من از همان آغاز سعی کردم خودم باشم و نگاه خودم را داشته باشم و به زبان طبقه ی خودم حرف بزنم. بی شک هنوز زود است برای ادعای کامل این موضوع.
– چگونه شعر می تواند شناسنامه زمان خود باشد؟ و آیا شما به این امر معتقدید؟
– بله معتقدم و فقط می توانم بگویم کافی ست آن شعر بی تفاوت به زمانه ی خودش نباشد.
– در نظر شما ارتباط شعر با مخاطب چه معنایی دارد؟
– مخاطب امروز و همین طور شعر ناگزیر به شرکات هستند. معناگریزی بنظرم خودش دلیلی برای معنای شعر هست در غیر این صورت بی معنایی را نمی فهمم. بشر دنبال کشف و شناخت انسان و هستی هست، فکر نمی کنم بی معنایی نیازی به پرداختن داشته باشد و مدرن بودن را توجیه مناسبی برای کشتن محتوا در بسیاری از شعرهای امروز نمی دانم.
– برخی شاعران جوان را در شعر به فقر مطالعاتی و عدم وجود منابع مطالعاتی و حتی عدم آگاهی از آنها متهم می کنند، نظر شما در این باره چیست؟
– بله متاسفانه و این فقدان مطالعه نه فقط در شاعران جوان که بزرگترها هم گرفتار کرد. بنظر من شعر سه اصل نیاز دارد درد، جنون، مطالعه.
– از میان شاعران جوان استان بوشهر کار چه کسانی را بیشتر می پسندید و آینده موفقی را برای آنها تصور می کنید؟
– شاعران جوان و با استعدادی که از نزدیک می شناسم زیاد هستند اگر زیر سی سال مدنظر باشد می توانم از روح ا... درویشی, سیده محبوبه بصری, فرزاد صداقت و پرناز غریب زاده نام ببرم.
– چه توصیه ای برای شاعران جوان دارید؟
– تنها توصیه ام این است که شعر را جدی بگیرند و با اندیشه و شور دنبال کشف باشند و بی تفاوت به اطرافشان نباشند.
– از خودتان بگویید و از اینکه چطوری وارد فضای شعر شدید؟
– علی مرادی، متولد پانزده خرداد هزار سیصد و شصت هفت، فاریاب، بخش بوشکان دشتستان. از سال نود وارد فضای شعر شدم و با سپیدنویسی خود را پرورش می دهم تا چه شود. از خودم چیزی نمی دانم جز اینکه شعر و ادبیات و کتاب را ترجیح می دهم. از کودکی، بی قرار و سرگردان بودم تا این که کتابی از شاملو بدست آوردم و با خواندنش شکلی تازه از زندگی را لمس کردم و به آن دلباختم.
– تاثیرگذاران اولیه بر شعر شما چه کسانی بودند؟
– اولین آشنایی عمیقم با شعر در نوجوانی با خواندن خیام بود و بعد شاملو و بیدل دهلوی که هنوز تاثیرشان را با خودم به یدک می کشم.
– بیشتر در چه قالب و سبکی شعر می سرائید؟
– فقط در سپید هر چند اوایل حجم را با سپید اشتباه گرفته بودم.
– خواستم نظر شما را درباره وضعیت کنونی شعر در جنوب و استان بوشهر جویا شوم و اصلا آیا در کشور، شعر بوشهر جایگاهی دارد؟
– شعر بوشهر همیشه در کشور حرفها برای گفتن داشته است، امروز هم همین گونه هست. من به شدت زبان شعری بوشهر را دوست دارم و آن جنون شاعرانه را در جنوب مخصوصا استان بوشهر می پسندم. و کاش با فرهنگ سازی بیشتر و فضاسازی برای پرداختن تخصصی به شعر از طریق نشست ها، کارگاه ها و مجلات در استان بیشتر مورد توجه قرار بگیرد تا بوشهر بتواند یکی از اقلیم های مدعی در شعر امروز باشد.
– به نظر شما شعر هنوز جایگاه دهه های پیشین خود را میان مردم دارد؟
– نمی دانم، این قضیه کمی پیچیده است امروز اکثر مخاطبان شعر خود شاعران هستند.

در آستانه کنسرت اردیبهشت‌ماه لیان؛

روایت عشق دخترانه‌ای از بوشهر تا هند

در آستانه کنسرت اردیبهشت‌ماه لیان؛ روایت عشق دخترانه‌ای از بوشهر تا هندخلیج فارس: محسن شریفیان در آستانه کنسرت تهرانش که قرار است ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت در تالار وحدت برگزار شود، موزیک ویدئوی جدیدی را منتشر کرد.
محسن شریفیان درباره اثر جدید خود توضیح داد: «خلخال بر اساس روایتی عامیانه در یکی از روستاهای ساحلی بوشهر به نام "بربو" ساخته و پرداخته شده است.
ناخدایی بوشهری در هندوستان متوجه دختری می شود که با لحنی بوشهری آواز غمگینی می خواند. گویا دختر سالها پیش بوسیله ی یک کشتی هندی از روستایی در بوشهر به هند برده شده بوده و سرانجام با تلاش ناخدا به روستای زادگاه خود باز گردانده می شود.»
محسن شریفیان با اضافه کردن کارکتر هندی به این ترانه؛ روایتی عاشقانه به داستان داده است. او با همکاری "درشن آنند" نوازنده ی هندی ساز تبلا این موسیقی را با آواز و سازهای هندی تلفیق کرده است. قطعه «خلخال» با همکاری بهنام شهرکی و نوازندگی حمید اکبری و سارا نادری با صدای محسن شریفیان در آلبوم "دینگو مارو" منتشر شده است و موزیک ویدئوی این اثر به کارگردانی «حسین جمالی» ساخته شده است.



«خلخال» از جمله قطعاتی ست که گروه لیان در روزهای ۲۱ و ۲۲ اردیبهشت در کنسرت تالار وحدت تهران اجرا خواهد کرد. این کنسرت به همت شرکت «کامیاب بهاران» و تهیه کنندگی «علی حق شناس» در سالن تالار وحدت به اجرای برنامه خواهد پرداخت و «آکا صفوی» نیز بار دیگر در این کنسرت به عنوان خواننده گروه حضور دارد.
بلیت فروشی این برنامه آغاز شده است تا تالار وحدت بار دیگر در اوایل سال جدید پذیرای یک کنسرت پرانرژی و سرحال با نوای موسیقی بوشهری باشد.
منبع: موسیقی ما

گروه «لیمر» به فرانسه می‌رود

رخ‌نمایی موسیقی ایران در اروپا

به گزارش خبرنگار مهر، گروه موسیقی و آیین‌های بومی «لیمر» بوشهر به سرپرستی محمدرضا بلادی مرداد ماه امسال برای شرکت در پنج جشنواره موسیقی مرتبط با آیین های بومی اقوام جهان عازم فرانسه می‌شود.
در این جشنواره که از دوم تا بیست و ششم مرداد ماه برگزار می شود هنرمندان و گروه هایی از کشورهای آرژانتین، بلاروس، ساحل عاج، فرانسه، اسپانیا، آمریکا، مکزیک، تاهیتی، تاتارستان حضور دارند.
گروه «لیمر» در حالی امسال تور اجراهای تابستانی خود را در فرانسه شروع می کند که علاوه بر اجرای فرم های موسیقی آیینی معمول خود، در نظر دارد چندین ترانه جدید که بر مبنای موسیقی و آیین های موسیقیایی فرهنگ عامه بوشهر آهنگسازی و طراحی شده نیز به اجرا بگذارد. البته بخش اجراهای بومی این گروه منطبق بر آیین های موسیقیایی بومی بوشهر است که طی سالیان پیش موضوع پژوهش های محمدرضا بلادی بوده و در بخش آهنگسازی شده نیز مبنا و معیار برای وی همین پژوهش ها و شناختی است که بر این اساس حاصل شده است.
محمدرضا بلادی سرپرست، رامتین مرادی بالف مستندساز و برنده سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر برای مستند «رودخانه لیان»، علی براتی طراح حرکت گروه مشاوره و طراحی گروه «لیمر» را تشکیل می دهند. محمدرضا بلادی، عبدالرضا اخلاقی، حسین کاوه، آرش نادی، میثم عبدالشیخی، محسن نوشزاد و محمود شاکر در بخش موسیقی و در بخش حرکت علی براتی، رامک فرخجسته، ندا سیاس، رضا راد، آرام خلخالی، سروش کریمی نژاد و زهرا ایزدی حضور دارند. سرپرست گروه «لیمر» در حاشیه برگزاری جشنواره درباره موسیقی بوشهر سخنرانی خواهد کرد.



درخشش عکاس همشهری در جشنواره «آربلا»

روبان افتخار فیاپ در بخش چشم‌انداز ششمین جشنواره بین‌المللی عکس «آربلا» در کشور ترکیه به سعید عرب‌زاده اهدا شد.
به گزارش ایلنا؛ جشنواره عکس «آربلا» زیر نظر فدراسیون بین‌المللی هنرعکاسی، فدراسیون عکاسی ترکیه و مجمع جهانی عکاسی در بخش‌هایی با موضوعات آزاد، چشم‌انداز، زندگی و غذاهای سالم با حبوبات، برگزار شد.
در این جشنواره عکس Pacification سعید عرب‌زاده دارنده نشان آرتیست فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی و مدرس انجمن سینمای جوانان بوشهر موفق شد روبان افتخار فیاپ در بخش چشم انداز را از آن خود کند.
همچنین ۳ اثر از این هنرمند در نمایشگاه این جشنواره به نمایش درآمد.

اهدای ۶۰۰ جلد کتاب به شهرستان دشتی توسط نویسنده بوشهری

نویسنده بوشهری ۶۰۰ جلد کتاب به خانه های قصه و کتاب دشتی اهدا کرد خلیج فارس: سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان دشتی گفت: نویسنده بوشهری ۶۰۰ جلد کتاب به خانه های قصه و کتاب شهرستان دشتی اهدا کرد.
به گزارش ایرنا؛ حمید زارعی در گفت وگو با ایرنا افزود: نینا غریب زاده نویسنده بوشهری و عضو داوطلب موسسه خیریه نیک گامان جمشید در استان بوشهر با مشارکت در طرح خیرین کتاب در حمایت از ترویج کتاب خوانی و خانه قصه و کتاب در شهرستان دشتی یک قفسه کتاب به دبستان آستروتین خورموج، ۲۰۰ جلد کتاب به دبیرستان نمونه علامه طباطبایی خورموج و ۴۰۰ جلد کتاب به خانه قصه و کتاب فرهنگسرای امید شنبه اهدا کرد.
وی ادامه داد: از تلاشهای این بانوی هنرمند و فعال در حوزه کتاب که سال گذشته نیز از برگزیدگان کشوری ترویج کتاب خوانی در سطح کشور بود و ۱۸ کتابخانه مدارس در سطح استان بوشهر را تجهیز کرد، بسیار سپاس گزاریم.
نینا غریب زاده نیز گفت: کودکان و نوجوانان به عنوان آینده سازان ایران هستند که موفقیت و رشد آنها با افزایش آگاهی و مطالعه ممکن می شود.
نویسنده و فعال فرهنگی بوشهری افزود: احداث خانه های قصه و کتاب در شهرستان دشتی توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ایده ای نو و جذاب در توسعه کتاب خوانی است و بر خود لازم دانستم در این طرح شرکت کنم.
وی اضافه کرد: بالا بردن سطح فرهنگ عمومی جامعه، رسالتی است که بر عهده ی همه دوستداران فرهنگ بوده و خیرین و علاقه مندان به فرهنگ و هنر را دعوت می کنم در طرح حمایت از خانه های قصه و کتاب و توسعه کتاب خوانی شرکت کنند.

جشنواره تئاتر کارگاهی و اتود گناوه برگزار می شود

مدیر آموزشگاه آزاد هنرهای نمایشی ایلیا گناوه گفت: پنجمین جشنواره تئاتر کارگاهی و اتود در گناوه همزمان با آغاز جشن های شعبانیه با حضور گروه های نمایشی سراسر استان برگزار خواهد شد.
محمد مظفری در گفت وگو با خبرنگار ایرنا افزود: چهار دوره پیشین این جشنواره با حضور هنرمندان گناوه ای برگزار شد که با همکاری حوزه هنری بوشهر توانستیم امسال این برنامه را استانی کنیم.
وی بیان کرد: این جشنواره در روزهای ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه با حضور گروه های متقاضی برگزار خواهد شد و در کنار اجرای نمایش های کارگاهی در بخش اتود نیز هنرمندان به رقابت خواهند پرداخت.
مظفری گفت: تاکنون آثاری از هنرمندان شهرهای بوشهر، خورموج، دیلم و گناوه به دبیرخانه این جشنواره ارسال شده است.
شهرستان گناوه در شمال استان بوشهر قرار دارد.

نشست انجمن شعر و ادب بردخون

نشست انجمن شعر و ادب در مجتمع فرهنگی هنری بردخون با حضور اعضا برگزار شد.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، در این نشست که در مجتمع فرهنگی بردخون برگزار شد، یکی از اساتید دانشگاه با اشاره به پیشینه شعر بردخون اظهار داشت: انس با شعر موجب تقویت شعر پارسی می‌شود و در دیاری که روزگاری مهد علم و ادب و شعر بوده و شاعران بزرگی از آن بر خاسته‌اند این صمیمیت و تعامل بیشتر است.
مجید عابدی خلأ شعر امروز را نگرش‌های خاص دانست و گفت: با تقویت زیرساخت‌ها و بنیان‌های ادبی به سمت کشف افق‌های تازه برویم که تبادل افکار و نقد و بررسی اشعار به این مهم کمک می‌کند. وی تشکیل محافل متعدد شعر محلی را نامناسب دانست و افزود: برپایی این محافل به صورت برنامه‌ریزی نشده و زیاد موجب ضربه خوردن شعر کلاسیک می‌شود که نیازمند تدابیری در این زمینه است. عابدی از جمع‌آوری آثار ادبی شاعران بردخونی در قالب یک مجموعه خبر داد و گفت: شاعران جوان و پیشکسوت اشعار و آثار خود را برای تدوین و انتشار ارائه دهند.
در ادامه شاعران حمید ظریف‌خواه، حیات عاشوری، عقیل نجار و بهنام مؤمنی شاعر مهمان از شهر بوشهر ضمن قرائت اشعار خود به نقد و بررسی اشعار پرداختند.

نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

فرصتی برای توسعه استان بوشهر

رویکرد اطمینان دولت تدبیر و امید به مدیریت بومی

بهرام نکیسا



جا دارد ضمن حمایت از ایشان به عنوان نماینده عالی دولت تدبیر و امید در استان، بدون توجه به سلایق سیاسی استانداران محترم بومی پیشین از تجارب تلخ و شیرینی که بواسطه وجود آن عزیزان بدست آمده استفاده نمائیم و بیش از پیش از گذشته عبرت بگیریم و در جهت توسعه و خدمت به مردم شایسته استان عمل نمائیم و حامی یکدیگر باشیم.



عکاس:محمدرضا صابری

پس از چندین سال بعد از استانداری آقایان مدرس زاده و ندیمی بوشهری با حمایت و بنا به تشخیص وزیر وقت کشور دولت اصلاحات آقای موسوی لاری، پیگیری و درخواست فعالین اجتماعی و سیاسی استان از چپ و راست، بویژه نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهرهای استان، و از همه مهمتر تاکید رئیس دولت اصلاحات، آقای مهندس تبادار استاندار بوشهر گردید.

ایشان اقدام به یکسری فعالیت های عمرانی در راستای توسعه استان و برنامه های دولت و در کنار آن رشد و تربیت و حمایت از نیروهای استان در سطح کشور نمود و در اوج فعالیت، تلاش و گرم شدن موتور ماشین کار ایشان به دلیل فضای سیاسی حاکم بر کشور پس از دولت اصلاحات و همچنین عدم تجربه کافی فعالین سیاسی استان در ستاد رئیس جمهور نهم، ایشان با پیگیری فعالین سیاسی منتصب به رئیس جمهور وقت (آقای احمدی نژاد) در استان از استانداری بوشهر خداحافظی نمود در حالی که اکثر قریب به اتفاق مردم و دلسوزان استان با این اقدام و تغییر مخالف بودند اما چاره ای و گوش شنوایی نبود.

اگر مثلا ایشان یکی دو سال دیگر در کسوت استانداری بوشهر خدمت می نمود با توجه به تجربیات و سوابق اجرایی خوبی که می داشتند حداقل اکنون شاهد حضور ایشان در کابینه می بودیم اما به هر تقدیر این جابجایی انجام پذیرفت!

پس از ایشان یکی دیگر از نیروهای استان، آقای افراشته سکان استانداری بوشهر را بدست گرفت با ایده و برنامه هایی که بنا به دلیل اختلافات در درون جبهه حامیان دولت نهم ایشان به اتفاق تیم کاریش قبل از این که به اهدافش برسد از استان خداحافظی نمود.

یعنی در کمال تاسف باید گفت استان بواسطه روی کار آمدن دولت نهم دو تن از نیروهای موثر و مفید خود را بدون اینکه توانسته باشد در جهت خدمت به استان و مردم از وجودشان بخوبی استفاده نماید، از دست داد.

نگارنده قصد ندارد به پرونده استانداران در دولت نهم و دهم بپردازد اما استان ما (بوشهر) در این بین در دولت های نهم و دهم چه عایدش شد؟ جز اینکه فضای کار و تلاش دوران استانداری آقای مهندس تبادار به فضای تغییر و تحولات سیاسی مورد درخواست حامیان دولت نهم تنزل یافت. همین که استاندار بومی پس از آقای تبادار، آقای افراشته آمد کار کند ایشان نیز تغییر پیدا نمود.

راستی پس از مدیرعاملی آقای رضوی در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی چه شد؟

نگارنده بنا ندارد که به پرونده تغییر و تحولاتی که برای استان نتیجه ای جز فرصت سوزی بدنبال نداشته بپردازد اما همین می توانم بگویم که پس از این سه بزرگوار دیگر شاهد حضور مدیران بومی در سطح استاندار و مدیرعاملی منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی البته بجز مقطعی اندک که مهندس نصوری عهده دار مدیرعاملی آن منطقه بود، در آن زمان نبودیم.

از خود پرسیده ایم چرا؟

آیا به راستی به دولت ها ارتباط دارد یا به اشخاص در استان؟ حتی به امثال من نگارنده این سطور.

چرا بعضا وقتی یکی از نیروهای بومی و درد آشنای استان عهده دار امور بویژه منصب استانداری می گردد، بیشتر به وی پرداخته می شود تا یک نیروی غیر بومی؟ چرا به جای حمایت از نیروهای خود، چه در داخل و چه در خارج از استان بعضا به تضعیف آنان اقدام می نمائیم؟ این نوع رفتار باعث گردیده که ما کمترین سهم در سطح کشور در مناصب وزارت خانه ها و سازمانها داشته باشیم. جا دارد برای این مهم تدبیری بیندیشیم! و به تعبیر زنده یاد سهراب سپهری: چشم ها را باید شست، جور دیگر باید دید.

اکنون پس از این همه تجربه، همه می بایست برای اینکه بیش از این شاهد سوختن سرمایه های انسانی استانمان نباشیم قدری با هم مهربان باشیم.

دوستان، هم استانی های عزیز و ارجمند، به اندازه ی کافی در خصوص آنچه بر کشور طی هشت سال قبل از دولت تدبیر و امید رفته، سخن گفته شده، اکنون وقت همدلی و گرفتن دست های یکدیگر و عبرت گرفتن از گذشته آن هم با توجه به اوضاع حساس منطقه در جهت توسعه استان است.

کارگزاران دولت تدبیر و امید برای خدمت به مردم و اعتلای کشور در شرایطی پذیرش مسئولیت نموده اند که حکایت از اوج ایثار آنان دارد. تلاش های آقای سالاری استاندار بوشهر در راستای توسعه استان شایسته تقدیر است.

چه کسی است که نداند دولت تدبیر و امید وارد عرصه ای پرهزینه، سخت و ناهموار با خزانه ای خالی گردیده است. عرصه ای که جز سرزمینی سوخته از گذشته چیزی را در مقابل نمی بینی و تکلیفی نیست جز سبز کردن و آباد نمودن دوباره این سرزمین آن هم با همدلی، هم زبانی، گذشت و ایثار.

برای عبور از چنین شرایطی بیش از پیش نیاز به همدلی و همفکری همه دلسوزان به ملک و مهین است تا همچون سایر عرصه ها و آزمون های گذشته از این آزمون نیز سر بلند بیرون آئیم.

تجربه نشان داده است تفکر جهادی و ایثارگرانه همواره این کشور را از گرداب های سهمگین نجات داده است.

وقتی طی این چند روز اخیر تلاش های شبانه روزی مدیر ارشد استان را در خصوص پیگیری جذب اعتبارات و همچنین پیگیری به صورت ویژه موضوع مرتبط با زندگی مردم استان (ته لنجی) در کنار دنبال نمودن سایر مسائل دیگر استان رصد نمودم، دریافتم با توجه به وضعیت بودجه ای کشور و سایر موانع و مسائلی داخلی و خارجی که دولت با آن مواجه و درگیر است که همه عزیزان و دلسوزان بخوبی استحضار دارند، ایشان بطور شبانه روز در تلاش و پیگیر حل مسائل مذکور بودند، بی مناسبت ندیدم که خدمت ایشان حداقل یک خسته نباشید خشک و خالی عرض کرده باشم.البته لازم است همه آنانی که در دولت تدبیر و امید مسئولیتی پذیرفته اند عنایت داشته باشند پرداختن به امور روزمره از آفات توسعه و خدمت به مردم است.

دوستان و عزیزان بار دیگر عرض می کنم که قدر نیروهای خود را بدانیم و قدری با حوصله با یکدیگر مواجه شویم. استان های دیگر نیروهای گمنام و به مراتب پائین تر از توان اجرایی نیروهای استان ما دارند در وزارت خانه ها و سازمانها وارد می کنند اما ما چطور؟ و به چه مشغولیم؟

شایسته نیست بیش از این نسبت به یکدیگر بدسلیقگی بخرج دهیم.

وجود استاندار بومی همچون استاندار فعلی آقای سالاری، فردی که از انرژی، توان و روحیه بالایی برای کار و خدمت برخوردار و به خوبی نیز با مفاهیم و راه های رسیدن به توسعه و پیشرفت آشنائی کافی دارد، فارغ از گرایش های سیاسی فرصتی مغتنم برای رشد و توسعه استان می باشد.

لذا جا دارد ضمن حمایت از ایشان به عنوان نماینده عالی دولت تدبیر و امید در استان، بدون توجه به سلایق سیاسی استانداران محترم بومی پیشین از تجارب تلخ و شیرینی که بواسطه وجود آن عزیزان بدست آمده استفاده نمائیم و بیش از پیش از گذشته عبرت بگیریم و در جهت توسعه و خدمت به مردم شایسته استان عمل نمائیم و حامی یکدیگر باشیم. انشا ا..

منبع: بیداران

معلمان چه می خواهند؟

خلیل موحد



مشکلات حرفه ای و شغلی معلمان ایران در یک تقسیم بندی مولود گیزهای ذهنی-انفسی (subjective) و علل عینی و افاقی (objective) می باشد. گرچه در تحلیلی ژرف اندیشانه، بخش نخست این برش بند، خود محصول بخش دوم آن؛ یعنی، همان نگرش ها و برنامه هایی است که در چند دهه اخیر در میدان سیاست و اقتصاد ایران حاکمیت داشته است.

در ساحت ذهن اما نگران کننده ترین عامل بازدارنده در مسیر پیشرفت آموزشی و تعالی تربیتی در نظام تعلیم و تربیت در میهن ما، همان چیزی است که می توان از آن به عنوان بحران انگیزه یاد کرد. حرفه ی معلمی به ذات خود، کاری طاقت فرساست. و این امری غیر طبیعی نیست؛ زیرا کامیابی در پدیده ی تعلیم وتربیت، فقط دستاورد توان بالای دانشی و علمی حاملان آن نبوده؛ بلکه به قطع، ربط وثیقی نیز با فراز و نشیب های روانی و بینشی اصحاب علم و



فرهنگ دارد.

در کشور ما کم رمقی محرک های انگیزشی و گاه فقدان شوق و ذوق در میان عموم معلمان، سال هاست که آموزش و پرورش کشور را با بحران های جدی مواجه کرده و به بالندگی آموزش و فهم و سواد خسارت های هنگفتی وارد کرده است. این خلا، کشش اما از تولیدات درونی معلمان ایران نیست؛ بلکه ارمغان تحمیل های بیرونی؛ یعنی، نابرابری های اقتصادی و تبعیض در در یافت حقوق و دستمزد می باشد. این گسست مالی و شکاف عمیق درآمدی میان معلمان با سایر کارکنان دولت که معلمان کشور را در کف لیست حقوق بگیران دولت قرار داده، در قامت بلندترین و ستبرترین مانع، دل و دماغ کار را از عموم معلمان بازستانده و به مهم ترین معضل شغلی آنان تبدیل شده است. فداکاری ها و رنج هایی که عموم معلمان اما در کلاس بر جسم و جان خود هموار می کنند، محصول جوشش درونی و وجدانی آن هاست. در جهان کنونی و به باور همه ی کارشناسان، نیروی انسانی آگاه، آزاد، آفریننده، کارآمد و عاری از فساد مالی، مهن ترین مولفه ی کامیابی مادی و معنوی جوامع بشری محسوب شده و معلمان جلودار این نیروها می باشند.

* این دیدگاه در شماره یکشنبه ۱۲ اردیبهشت روزنامه تعادل به چاپ رسید.

نمی خواهم سرطان بگیرم

مهدی صدرایی



یک زندگی چقدر می ارزد؟ زندگی در یک آپارتمان ۷۰ متری که هیچ پنجره ای رو به فضای آزاد ندارد. زندگی که با صبح زود شروع می شود. صبحی به تازگی و صمیمیت صبح های یک شهر دریایی. من حس خوبی دارم حتی اگر راننده ی تاکسی خیلی دل و دماغ روز جدید و گرما را ندارد. وقتی به محل کارم می رسم باز همان تک درختی را که با سبزی وارفته اش و باغچه محقرش سردی فضای اطراف را بیشتر گوشزد می کنم مواجه می شوم. ولی این در حقیقت فضایی است که همکاران می بینند. من این تک درخت را با عالم سبزش دوست دارم. بی شک باغچه اش می توانست بزرگتر و شکیل تر باشد که البته نیست. تک درختی هم اینجا غنیمت است.

وارد بیمارستان می شوم. بیمارستان تازه ساختی است. می توان نویی ساختمان را از لعاب سنگ هایش فهمید. رنگ سنگ ها هم زیباست. پلکان هم از سنگ های زیبایی ساخته شده است. البته شاید این ها به نظر من که پرستارم زیبا به نظر بیاید ولی برای همراه بیمارانی که با هول هراس این طرف و آن طرف می دوند خیلی مفهومی نداشته باشد. موضوعی که همیشه ذهن مرا درگیر می کند کیفیت درهای بیمارستان است. قیمت سنگ های دیوار را که گفتم نمی توانی تخمین بزنی ولی درها! مشخص است که فروشنده.... بگذریم. با هم همخوانی ندارد. و اما به بخش رسیدم. برای کلافه بودن از کار هنوز جوانم. و این قدر خوب تربیت شدم که صبور باشم. و اینقدر انسانیت دارم که درد بیماران را بفهمم. آن هم بیمارانی که غالبا وضعیت خوبی ندارند.

همه بیماری های صعب العلاج دارند. ولی سرطان بیش از همه است. کاری که می کنیم در ساعت مشخصی شیمی درمانی را شروع می کنید و بعد بخش کمی خلوت تر می شود. از پیر و جوان هستند. بعضی در خود فرو رفته و نا امید و برخی خندان و امیدوار. البته کلمه امید شاید اینجا معنی دیگری داشته باشد. امید ...شاید بهتر است بگویم این ها در لحظه زندگی می کنند. قبل از اینکه سرطان بگیرند یاد گرفته اند که زندگی مجموعه ای از شکست ها و بیماری ها و موفقیت ها است.

البته گاهی برای برخی همه موفقیت می شود و برای برخی دیگر همه کامیابی. ولی آنان که باری روزگار را خوب بلدند معمولا حتی اگر سرطان بگیرند اخم هایشان به هم گره نیست. سرطان آخر دنیا نیست. خیلی وقت ها درمان می شود. ولی به هر حال اسمش سرطان است.

خوب الان وقت رگ گیری است. که متاسفانه به سادگی هم نیست. به علت های فراوان گاه رگ بیماران سرطانی سخت پیدا می شود و زمان زیادی را می گیرد. این لحظات برای من مثل ضربات پتک می گذرد. می دانم که چه می کشد. مجبور است مرتب این جستجوی ما را از پی رگ تحمل کند و نجابت به خرج دهد و چیزی نگوید.

این سنگینی سکوتش خردم می کند. بالاخره رگ را گرفتم. این رگ واقعا برای من که پرستارم و برای بیمار نقش یک رگ دارد. یک جریان حیات. یک شاهراه که خیلی باید مراقبتش کنیم. سخت می شود پیدایش کرد. بگذریم. بخش ما هر روز شلوغ تر می شود. اینقدر بیمار زیاد است که پزشک ها وقت نمی کنند به دلایل افزایش ابتلا فکر کنند. پروسه درمان بسیار وقت گیر و خسته کننده است. ولی گروهی باید به این موضوع فکر کند. نمی دانم اگر پرستار نبودم و یک پزشک بودم شاید حتما بخشی از مطالعاتم را بر روی دلایل افزایش سرطان می گذاشتم. ولی در شرایط فعلی چه می شود کرد؟ البته گروه هایی هستند در کشور که روی این زمینه کار می کنند ولی هنوز هیچ تصمیم قاطعی گرفته نشده.

حقیقتش را بگویم گاه با خود می گویم نکند من هم روزی به سرطان مبتلا شوم و در همین بخش بستری شوم؟ و هر روز قرار باشد به اینجا بیایم! آن موقع تکلیف این سنگ های خوش رنگ دیوار نمی دانم چه می شود؟ نمی دانم اینقدر نجیبب هستم که در مقابل جستجوی رگ سکوت کنم؟ البته شاید به نجابت ربط نداشه باشد. درد که نجیب و غیر نجیب نمی شناسد. اگر مبتلا شوم قطعا امروزم را به خاطر تلاشی که برای فهمیدن دلایل افزایش سرطان نکرده ام، شماتت می کنم. ولی من چه می توانم بکنم؟ وقتی نیست. هر روز که باید شیفت بدهم. کارهای روزمره و خرید برای عیال و بچه ها هم بماند. از این ها گذشته راهنمایی که میل به این کار داشته باشد هم در شهر نیست.

ولی من واقعا نمی خواهم که سرطان بگیرم. ولی اگر من یک پژوهشگر بودم پیش از همه چیز مواد غذایی را چک می کردم. آنچه بیش از همه عمومیت دارد. آنچه بیش از همه مصرف می شود. با همین افکار چهار بیمار را برای شیمی درمانی آماده کردم.

خوب الان باید گزارش هایی را تکمیل کنم تا به مسئول بخش بدهم. ولی من می توانم بیشتر از این باشم. با این گزارش ها سرطان از من دور می شود؟ وقتی هیچ کس روی دلایل این همه گیری سرطان فکر نمی کند؟ وقتی سازمان هایی که می ترسم اینجا اسمشان را بیاورم و بعد کلی شاکی بشوند که ما کارمان خیلی درست است و مرتب نظارت می کنیم هیچ تلاش ساده ای برای فهیدن این دلایل نمی کنند چگونه با این گزارش های من سرطان کنترل می شود.

راستش را بخواهید با یک حساب سر انگشتی تا چند سال آینده شمار افراد مبتلا به سرطان خیلی زیاد خواهد بود و من و همشهریانم هیچ مزیتی بر بیماران فعلی اینجا نداریم که به سرطان مبتلا نشویم! به عبارتی اگر مبتلا نشویم شانس آورده ایم! روزی به یکی از اساتیدم گفتم استاد چرا روی کیفیت سموم کشاورزی و کودها و آب مصرفی مردم مطالعه نمی کنید؟ چرا برای اینها آزمایش دوره ای سختگیرانه قرار نمی دهید. می دانید چه جوابی داد؟ گفت مگر ما ناپلئونیم که این چیزها را چک کنیم!! این جمله خنده دار ترین و البته شفاف ترین جمله ای بود که میزان توان و پشتکار و مسئولیت پذیری همشهریان مرا توصیف می کرد.

به هر حال خواهی نخواهی من و آن استاد و همه همکاران من در این شهر زندگی می کنیم. متمول ترین ما از همان فروشگاهی خرید می کند که من نان می خرم. و متمول ترین و فرهیخته ترین این شهر همان در معرض سرطان است که من هستم. ولی من نمی خواهم سرطان بگیرم.



نسیم جنوب
اجتماعی
شماره ۸۰۹ یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

نیمه اول اردی بهشت

چهار مناسبت افتخارآفرین تاریخی

ابراهیم گرمساری

امروز روز شادی و امسال سال گل
نیکوست حال ما که نکو باد حال گل



نیمه اول اردی بهشت ماه نود و پنج چهار خاطره میمنت آفرین را برای ما مردم فرهنگ دوست و ایران شناس زنده می نماید.

۱- بزرگداشت شیخ الشعرا سعدی والا مقام و بلبل شیرین بیان سرزمین ادب دوست و ادیب پرور ایران زمین شیراز را گرامی بداریم.

۲- زاد روز بزرگ مرد تاریخ بشریت غریو عدل و مساوات و مجری اصل برابری و امانت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام که روز پدر برای ما پدران پیرو آن نیک اندیش نام گذاری شده است.

۳- روز بزرگداشت شیخ بهایی، منجم و محقق بزرگ ایرانی و افتخار علم و اندیشه فرهیختگان آگاه.

روز جهانی کارگر که وجودشان موجب افتخار و سربلندی جامعه های پویا و عدالت خواه بوده و هست و ما این روز را به پاس بزرگواری آن عزیزان گرامی می داریم.

۴- شهادت استاد سخن مرتضی مطهری معلم فرهیخته و روز معلم به پاس سپاس از زحمت کشان عرصه تعلیم و تعلم و اخلاق و تربیت نسل های نو پای جامعه که شمع وجودشان افزایش فروزش و درخشندگی جامعه را نورانی و منور می سازد و با کمترین انتظار بیشترین ایثار بر پویندگان عرصه آموزش و پرورش روا می دارند و از بذل و بخشش دانسته های خویش کمتر دریغی جایز نمی شمارند.

معلمانی که کم نبوده و نیست آمارشان در عرصه سخاوت و شجاعت و در پرورش نسل هایی که به امانت در اختیار داشته اند. معلمانی که با بیم و اضطراب گاه و بیگاه احقاق حق نموده اند و بدون هراس راه درست را به پویندگان راستین جامعه وا نموده اند و خوشبختانه شمار این طیف از مربیان در طول تاریخ کم نبوده و بحق می توان پیشرفت و توسعه ی هر چند کندی که شاهد آن هستیم را مدیون خدمات ارزنده ی همان معلمان با گذشت و فداکار جامعه دانست.

آری معلمانی که تا ابد الگوی راه پیروان بودنش افتخار جامعه بوده یاد و اندیشه و کردارشان را هرگز نمی توان نادیده گرفت عملکرد بزرگانی همچون مرحومان: لاله رخسار، سید محمدرضا مهیمنی، محمد بنیاس، محمدعلی مصدق زاده، سید جواد عین الملک، عباس جمعه پور و نعمت الله دیسی و بزرگ معلمانی که پزشکان و خدمتکارانی بزرگ همچون دکتر ملک زاده و دکتر سید علی طبیب را برای خدمت به جامعه به شایستگی پروردند و به دامان جامعه سپردند تا محیط را پالایش دهند و در سالم سازی جامعه قدم بردارند.

یاد و خاطره همه آن عزیزان معلمان، پدران، کارگران و محققان را گرامی می داریم.

چرا داعش؟

دکتر غنی مجیدی



داعش (دولت اسلامی در شام و عراق) و رفتار خشن آن جهان را ناامن نموده و ترور کور این سازمانِ به شدت خشن، بیش از پیش شهروندان بیگناه راَ در کشورهای مختلف مورد تهدید قرار داده، ترس و وحشت در میان شهروندان در سراسر جهان گسترده است. نتیجه ترور آنکه؛ اکثر دولت‌های جهان به شهروندان خود اخطار می‌دهند که از مکان‌های شلوغ و پر جمعیت بپرهیزند، زیرا که در این مکان‌ها خطر انفجار و یا حمله نظامی از سوی داعش وجود دارد.

سئوالی که پیش روی اکثر مردم و شهروندان قرار دارد این است: چگونه داعش شکل گرفت؟ آیا سیاست‌های کشورهای غربی و خاصه ایالات متحده‌ی امریکا در شکل‌گیری گروه‌های افراطی اسلامی و از جمله داعش نقش داشته‌اند؟ آیا داعش افول خواهد کرد؟

برآمد اسلام سیاسی و شکل‌گیری نیروهای جهادگر

در دکترین ایالات متحده امریکا برای حفظ هژمونی و سلطه، از میان برداشتن رقیب سیاسی خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی سابق و اقمار آن بوده است. اشتباه استراتژیک شوروی در دوران جنگ سرد و با ورود نیروهای نظامی آن در سال ۱۹۷۹ برای حمایت از کودتاچیان به رهبری ببرک کارمل در افغانستان فرصتی تاریخی برای ایالات متحده امریکا پیش آورد که شوروی را با حمایت از نیروهای جهادگر اسلامی در افغانستان شکست داده و از پیشروی آن به "آب‌های گرم" یعنی در خلیج فارس جلوگیری نمایند. جلوگیری از نفوذ شوروی در خلیج فارس و در درازمدت محاصره آن، در دکترین جیمی کارتر رئیس جمهور وقت امریکا که مبتنی بر استراتژی کمربند سبز بود قرار داشت. این استراتژی توسط زبیگنیو برژینسکی، مشاور امنیت ملی وی تدوین گردیده بود. از سویی دیگر با شکست سوسیالیسم واقعاً موجود در شوروی و بلوک شرق در دهه نود وَ نیز پیدایش خلا سیاسی و ایدئولوژیک ناشی از پایان پان-عربیسم به رهبری مصر و نیز سوسیالیسم دولتی در جهان عرب، مسیر نقش آفرینی عربستان سَعودی در خاورمیانه به کمک غرب هموار گردید. عربستان سعودی که سودای رهبری جهان عرب را داشت، برای خلاصی از نیروهای وهابی تندرو داخلی سعودی به صدور آنان به افغانستان همت گماشت. و از سویی دیگر ایدئولوژی وهابیت که گرایشی افراطی از اسلام سنی است، گزینه‌ای برای تقابل با ایران شیعی که به دلیل انقلاب ۱۹۷۹ از هم پیمانی با غرب خارج گشته بود، گردید. این دو رویکرد منافع غرب و عربستان سعودی را با هم سازگار می‌نمود. عامل دیگری که نقش عربستان سعودی را تقویت نمود کودتای نظامی ژنرال ضیاء الحق برعلیه نخست وزیر پاکستان علی بوتو بود. ضیاء الحق به شدت متعصب و دارای گرایش اسلامی دو بندی (گرایشی از اسلام سنی که به وهابیت نزدیک است) بود. وی دست عربستان را در دایر کردن مدارس مذهبی بر اساس تعالیم وهابیت در پاکستان باز گذاشت. تبلیغات عربستان موجب گشت که پشتون‌ها که تقریباً یک سوم جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دادند و احساس جدایی‌طلبانه از پاکستان را داشتند، وهابی گردند. با وهابی شدن پشتون‌ها، کشور پاکستان از خطر تشکیل دولت پشتونستان رهایی یافت. پشتون‌ها نیز به کمک برادران پشتون افغانی خود رفته و با نیروهای شوروی در افغانستان جنگیدند. ایالات متحده امریکا و عربستان برای تقابل با شوروی در افغانستان، کمک‌های مالی و نظامی زیادی در اختیار نیروهای اسلامی جهادگر قرار دادند. تا اینکه در سال ۱۹۸۹ شوروی مجبور به ترک افغانستان گردید. برآیند جنگ در افغانستان، شکل‌گیری گروه طالبان و القاعده و گسترش نفوذ مذهب وهابیت در خاورمیانه بود. عربستان سعودی برای ایفای نقش راهبردی در خاورمیانه، میلیاردها دلار را به تبلیغ و گسترش وهابیت در خاورمیانه و آفریقا اختصاص داد.

داعش

دهه نود که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همراه بود، زمینه تک‌قطبی شدن قدرت به رهبری ایالات متحده امریکا را فراهم آورد. با پیروزی جمهوری خواهان به رهبری نئوکان‌ها، حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱ تحت شعار مبارزه با طالبان و نیز القاعده آغاز گردید. حمله نظامی امریکا به افغانستان موجب شکست نیروهای جهادگر اسلامی در افغانستان گردید. اما از سویی دیگر این حمله موجب باز گشت بسیاری از جهادگرایان عرب به کشورهای خود گردید. علاوه بر آن حمله ایالات متحده امریکا به عراق و اشغال آن در سال ۲۰۰۳ و فروپاشی این کشور و از دست رفتن قدرت اقلیت سنی‌مذهب و قدرت‌گیری شیعیان در عراق، نارضایتی اهل تسنن تشدید گردیده و زمینه شکل‌گیری گروه‌های اسلامی تندرو از جمله القاعده در عراق فراهم نمود. بسیاری از نظامیان عراقی سنی-بعثی که به دلیل انحلال ارتش عراق توسط امریکا بیکار شدند، به القاعده پیوستند. همراه با خیزش بهار عربی و شروع درگیری در سوریه و ورود اسلام‌گرایان تندرو از دیگر کشورهای عرب و آسیای میانه و قفقاز به سوریه، همکاری بسیار نزدیکی بین القاعده عراق و جهادگرایان اسلامی تندرو در سوریه ایجاد گردید. تا اینکه از دل این همکاری در سال ۲۰۱۴ سازمان تندرو اسلامی داعش اعلام موجودیت کرد. داعش با تصرف شهرها و روستاها بسیاری در غرب عراق و شرق و شمال سوریه دولت خلافت اسلامی را اعلام نمود. داعش پس از تصرف مناطق نفتی در عراق و سوریه، نفت را صادر کرده و نیز با ایجاد نظام مالیاتی به تامین منابع مالی خود پرداخت. کمک‌های مالی شهروندان ثروتمند کشورهای حوزه خلیج فارس نیز به تقویت بنیه مالی داعش کمک کرد. داعش با این منابع مالی به خرید اسلحه دست زده و با اسلحه‌های بدست آمده از تصرف پایگاه‌های نظامی در عراق و سوریه ارتش بسیاری قدرتمندی که بین ۸۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود، بنیان گذاشت.

پیروزی‌های داعش در سوریه و عراق ادامه داشته تا اینکه با ورود نیروهای روسی به سوریه در اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ و کمک‌های نظامی ایران و حزب‌الله لبنان، در شمال و شرق سوریه، داعش در بسیاری جبهه‌ها متحمل شکست گردید. داعش برای خرید اسلحه که بخش عمده آن با صدور نفت تامین می‌گشت با موانع و مشکلاتی روبرو شده است. زیرا صدور نفت که از طریق ترکیه صورت می‌گیرد با بمباران تانکرهای نفت‌کش توسط جنگنده‌های روسی با اختلال روبرو گشته است. با حمله ارتش و نیروهای مردمی عراق به مناطق تحت سلطه داعش، و حمله‌های هوایی امریکا و متحدان آن داعش تضعیف گردیده است. هر چند داعش تضعیف گردیده، اما هم‌چنان بخشی از خاک عراق و سوریه را زیر سلطه خود دارد. وانگهی، داعش برای جبران شکست در سوریه و عراق بخشی از نیروهای خود را به لیبی فرستاده، و به کمک اسلام‌گرایان افراطی در لیبی مواضع خود را تقویت کرده است. که به دلیل نزدیکی لیبی به اروپا، وجود داعش در این کشور می‌تواند، زنگ خطری جدی برای اروپا باشد.

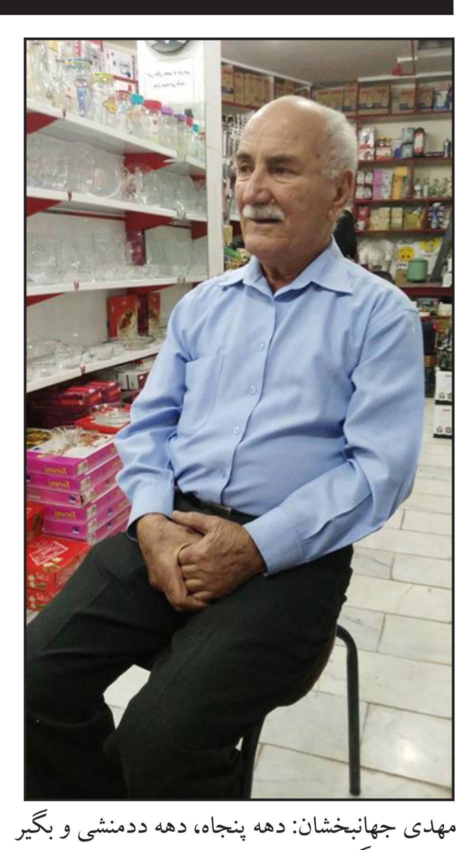
سخن پایانی

تاکنون عزم و اراده جدی برای مقابله با داعش وجود نداشته است. زیرا که هنگامی که نیروهای القاعده ای مثل جبهه النصره و ارتش آزادیبخش سوریه (جیش الحر) و گروه احرار الشام در سوریه توسط عربستان سعودی، قطر و ترکیه با اسلحه‌های مدرن آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی و یا اسلحه‌های خریداری شده از اوکراین و بلغارستان مسلح شده و از سوی دیگر این گروه‌ها در ترکیه و اردن به کمک انگلیس و فرانسه آموزش نظامی می‌دیدند و سیل اسلحه از لبنان توسط گروه هشت مارس به رهبری سعد حریری به داخل سوریه اعزام می‌گشت، ما شاهد هیچ‌گونه واکنشی از سوی شورای امنیت مخصوصاً کشورهای غربی نبودیم. اکثر اعضای گروه‌های نامبرده با اسلحه‌های خود به داعش پیوستند. و در حمله به شهرهای موصل و سنجار و تکریت از کنار شهر اربیل گذشتند و سپس از شهر رقه در سوریه با ماشین‌های خود از صحرا عبور کرده "بی‌آنکه توسط ماهواره‌های غربی دیده شوند" و بدتر آنکه در نزدیکی شهر الانبار پایگاه مجهز امریکایی وجود داشت و از سوی نیروهای نظامی موجود در آن واکنشی دیده نشد! بنابر این باید این سئوال را مطرح کرد: آیا با سلطه سرمایه مالی در سرمایه‌داری نوین، سوداگری و آشوب بازار مالی سرمایه به نظم سیاسی جهان نیز رسوخ کرده است؟ و عقلانیت سرمایه‌داری تولیدی که در امنیت و آرامش به سرمایه‌گذاری در اقصی نقاط جهان به سرمایه‌گذاری می‌پرداخت، به سر آمده است؟ آیا ناآرامی و بحران و جنگ در جهان ادامه دکترین شوک* دوران جورج بوش نیست؟ سئوال پایانی این است که آیا با ضعیف شدن نظام تک قطبی به رهبری امریکا، نظم سیاسی جدیدی در جهان در حال شکل‌گیری است؟ و داعش خود نتیجه فروپاشی گام به گام نظام تک قطبی است.



* دکترین شوک The Shock Doctrine توسط نائومی کلاین Naomi Klein در توضیح سیاست خارجی امریکا در دوران جورج بوش به رهبری نئوکان‌ها تشریح گردید. وی معتقد بود که امریکا بنام بازار آزاد برای اعمال هژمونی و سلطه یک جانبه خود دست به شوک‌های سیاسی-اقتصادی-نظامی در جهان و از جمله منطقه خاورمیانه می‌زند. از جمله سیاست مبتنی بر دکترین شوک می‌توان حمله به افغانستان و عراق و فروپاشی دولت‌ها در خاورمیانه نام برد.

مبارزی برای میهن در غبار فراموشی



مهدی جهانبخشان: دهه پنجاه، دهه ددمنشی و بگیر و ببند چنگال خوفناک ساواک رژیم شاهنشاهی بر پهنه کشورمان ایران بود. بیدادگاههای نظام پوسیده شاهنشاهی پر از آزادیخواهان و شکنجه گاهش محل انتقام کشی از مبارزان بود و هر صبحگاه جوانانی جسور مقابل جوخه های اعدام می ایستادند و با فریاد سرنگون باد رژیم شاه ، خون خود را تقدیم مردم ایران می کردند.

مردی را که در عکس می بینید در زمره همین مبارزان بود. به دلیل خیانت یکی از دوستانش بدست ماموران ساواک افتاد و بی رحمانه شکنجه شد و مدتی را در زندان گذراند. آنقدر او را شکنجه دادند که مجبور شدند او را در بیمارستان نیروی هوایی بوشهر بستری کنند.

شغلش در هنگام دستگیری، نمایندگی یک تجارتخانه در گمرک بوده است ولی در حال حاضر مغازه دار است و لوازم خانگی می فروشد.

می گوید: لنجی را در دلوار برای عبور دادن چند تن از مبارزان آماده کرده بودم که توسط دوستی در ظاهر مبارز ولی مامور ساواک، لو رفتم.

توصیه اش به جوانان این است که: تا می توانید کتاب بخوانید بخصوص تاریخ تا به اوضاع و احوال جامعه پی ببرید تا تحلیل درستی داشته باشید.

نامش "امرالله صفری" متولد سال ۱۳۱۶ در بوشهر است.

اگر از فلکه امام گذر کردید و او را در پشت پیشخوان مغازه اش دیدید به او سلامی کنید تا بداند مبارزانش برای میهن در غبار فراموشی پنهان نشده است.



معاون استاندار بوشهر مطرح کرد:

اشتغال بوشهری‌ها از دریا حذف‌نشدنی است/ رفع مشکلات لنج‌داران

معاون سیاسی امنیتی استاندار بوشهر با بیان اینکه اشتغال بوشهری‌ها از دریا حذف‌نشدنی است، گفت: افرادی که از ته لنجی سوء استفاده می کنند جلوگیری می شود تا خدمات بیشتری به ملوانان برسد.

به گزارش خبرنگار مهر، فتح الله حقیقی در جمع مسئولان شهرستان دشتی به وضعیت ته لنجی استان بوشهر اشاره کرد و اظهار داشت: هیچ قدرتی حق این را ندارد که معیشت مرزنشینان، ملوانان و بازار این استان را خدشه‌دار کند.

وی افزود: در این استان ۳۰ هزار نفر به صورت مستقیم و ۴۰ هزار نفر به صورت غیر مستقیم از طریق دریا امرار و معاش می‌کنند و هیچ‌کس نمی تواند این اشتغال را حذف کند.

حقیقی بیان کرد: ما می‌خواهیم ملوانانی که با لنج می‌روند مورد احترام قرار بگیرند و هم حقوق خوب، بیمه و دائمی باشند.

وی با بیان اینکه در بحث ته‌لنجی می‌خواهیم قانون را اجرا کنیم، تصریح کرد: ما می‌خواهیم جلوی کسانی که سوء استفاده می‌کنند را بگیریم تا خدمات بیشتری به ملوانان برسد.

حقیقی یادآور شد: لنج‌هایی که بار داشتند و حق ترخیص نداشتند هفته گذشته بارهای خود را تخلیه کردند و مشکلی در این خصوص وجود ندارد.

معاون سواد آموزی استان:

حکومت و جامعه وظیفه دارند امنیت رفاهی و معیشتی معلمان را تأمین کند



در مقابل خدمات ارزنده معلمان در امر تعلیم و تربیت و آموزش فضایل اخلاقی به دانش آموزان وظیفه ی جامعه و حکومت است که کرامت انسانی معلمان را پاس بدارند.

غلامرضا دانش فر،معاون سواد آموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهردر مراسم گرامی داشت مقام معلم در بندر گناوه با تبریک هفته معلم و عید سعید مبعث رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) ، اظهار داشت: رسالت معلمی در جامعه بسیار خطیر و دشوار است از اینروست که این صنف آرمان هایی چون صداقت و راستگویی، عمل صالح،عدالت و انصاف، نوآوری و خلاقیت، تعهد و وظیفه شناسی،مراعات آداب و رسوم اجتماعی،پشتکار،سلامت روحی، روانی و جسمانی،شادابی و نشاط،ایمان به خداوند سبحان، رشد شخصیتی و فضایل اخلاقی را به دانش آموزان آموزش داده و در ضمیر آنها نهادینه می کند.

وی با اشاره به وظیفه متقابل حکومت، جامعه نسبت به معلمان، اضافه کرد: این مواردی که ذکر شد وظیفه معلم است که به درستی هم انجام می دهد اما در مقابل خدمات معلم باید حکومت و جامعه هم به وظیفه خود که حفظ منزلت اجتماعی، ارتقاء سطح دانش آنان،اولویت قرار دادن معلمان در برنامه های ملی، بهبود رفاه و معیشت معلمان و ایجاد امنیت شغلی و روانی معلمان و مشارکت در آموزش و پرورش است بپردارد. وی تاکید نمود:اگر بخواهیم به جامعه ای پیشرفته و توسعه یافته برسیم راهی بجز تأمین امنیت روانی و شغلی معلمان و فرهنگیان با لحاظ نمودن ارتقاء سطح رفاهی و معیشتی آنان در برنامه های ملی نداریم و این مهم وظیفه جامعه و حکومت است که باید به نحوی احسن به آن جامه عمل بپوشاند.

وی افزود: اگر جامعه ای روبه توسعه و توسعه یافته را مدنظر داریم هماهنگی در تربیت اجتماعی و بویژه در گفتار، رفتار و عمل کردن را باید مد نظر داشته باشیم.

معاون سواد آموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر در پایان سخنانش یاد شهدای فرهنگی شهرستان گناوه همچون حاج ناصر رسولی،علی اصغر عبدویی، جهانگیر رشیدی، محمد غلامی، یوسف دشتی و بهزاد بهمنی را گرامی داشت و به مقام آنان ادای احترام کرد.

در پایان این مراسم از تعدادی از معلمان بازنشسته و شاغل تقدیر بعمل آمد.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با چهار هزار و ۸۰۰ عضو آماده خدمات دهی است

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان در استان بوشهر گفت: این سازمان با دارا بودن چهار هزار و ۸۰۰ عضو آماده خدمات رسانی به مردم در حوزه کاری خود است.

سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر با چهار هزار و ۸۰۰ عضو آماده خدمات دهی است

به گزارش ایرنا، احمد زارعی در حاشیه نشست علنی شورای شهر بوشهر در جمع خبرنگاران افزود: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان به عنوان بزرگترین تشکل حرفه ای همراه شورای اسلامی به عنوان منتخبان مردم می توانند گامی بلند در راستای حل مشکلات شهروندان بردارند.

وی بیان کرد: در این دوره فعالیت سازمان نظام مهندسی یکی از مهمترین دیدگاه ها رسیدگی ویژه به حل مشکلات مردم است و در این راستا بخش قابل قبولی از بودجه های سازمان به امر نظارت بر کارهای مهندسان خود تخصیص داده شده است. وی در بخش دیگری از صحبت های خود با اشاره به دو بعدی بودن نظارت بیان داشت: یک بعد آن به جنبه های اختصاصی مالک که مربوط به حق و حقوق فردی است بر می گردد و بخش دیگر نیز جنبه های عمومی و حقوق عمومی است که وجه اشتراک سازمان با شوراهای اسلامی است.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان در استان بوشهر بیان کرد: شهرداری و شوراهای اسلامی در اجرای طرح ها و پروژه های شهری باید از متخصصان در این زمینه کمک بگیرند که این امر در میزان ارتقا کار کارشناسی آنان نیز تاثیرگذار خواهد بود. زارعی همچنین از آمادگی سازمان نظام مهندسی برای مشارکت و همکاری بیشتر با شورای اسلامی شهر اشاره کرد و گفت: در نشست های متعددی که با استاندار، شهردار، معاون عمرانی استاندار و دیگر ارگان های ذیربط داشتیم این آمادگی اعلام شده که با مشارکت بیشتر خود یاری رسان مردم در این حوزه باشیم. وی با اشاره به موقعیت جغرافیایی استان بوشهر و ظرفیت های بالای گردشگری ساحلی آن اظهار داشت: شهر بوشهر می تواند به عنوان مرکز گردشگری ساحلی کشور باشد ولی با این وجود زیرساخت های گردشگری آن پیشرفت مطلوبی نداشته است.

حیات دوباره مدرسه تاریخی سعادت بوشهر، در دولت تدبیر و امید

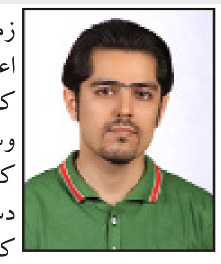
مجموعه فرهنگی تاریخی مدرسه قدیمی سعادت پس از مرمت و بازسازی، گشایش یافت.
در این مراسم استاندار بوشهر گفت: فرهنگ مشارکت معنوی و حمایت‌های فکری در اداره مدرسه تاریخی سعادت بوشهر باید در مدارس کنونی بکار گرفته شود تا بخشی از مشکلات مدارس این استان برطرف شود.
به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در آئین افتتاح مجموعه فرهنگی تاریخی مدرسه سعادت بوشهر با بیان اینکه ارتقای سیستم آموزشی نیاز به همکاری همه دستگاهها دارد اظهار داشت: امروز نیز همانند روزهای گذشته و زمان رونق دبیرستان سعادت حضور و مشارکت تاجران و



بازرگانان در اداره مدرسه ها و مراکز آموزشی ضروری است.
وی اضافه کرد: فعالیت مدرسه سعادت بوشهر در ابتدای راه با همت و همکاری بین دولت، مردم، علما و بازاریان بود که این همکاری نه فقط در قالب بخشنامه بلکه بر اساس همکاری و متناسب با نیاز جامعه صورت می گرفت.
دکتر سالاری، با تاکید بر این که مشارکت در امور آموزشی تنها مشارکت مالی و اقتصادی نیست گفت: نظام آموزشی نیاز به مشارکت معنوی و حمایت های فکری، دانش بنیان و توسعه محور دارد وتنها نیاز مالی توسعه آموزش و پرورش را تامین نمی کند.
دکتر سالاری اظهارکرد: آموزش زبان انگلیسی و حسابداری برای انجام کارهای تجاری و مبادلات خارجی در سیستم آموزشی دبیرستان سعادت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.
وی افزود: امروز نیز تعلیم و تربیت دانش آموزان باید براساس نیازهای جامعه صورت گیرد و علوم نوین در دستور کار سیستم آموزشی باشد.

رابطه توسعه یافتگی و وسعت کشورها

امید سعیدی



زمانی هیتلر به این قضیه اعتقاد بسیار زیادی داشت که هر چه جمعیت و وسعت کشوری بیشتر باشد، کشورهای دیگر جسارت دست درازی به مرزهای آن کشور را نخواهند داشت. دکترین هیتلر که در کتاب نبرد من ایشان به شکلی کامل تشریح شده است، سرلوحه کشورگشایی های جنون آمیز آلمان بود و پس از پایان جنگ، آلمان را به ویرانه ای تبدیل کرد که میان بلوک شرق و غرب تقسیم شد.
چنین تفکراتی در حوزه اقتصادکشورهای در حال توسعه نیز کم و بیش طرفداران پر و پا قرصی دارد، به عنوان مثال در دوره ای افتخار یک موسسه مالی مانند بانک، داشتن شعبات بسیار زیاد جهت ارائه خدمات به مشتریان بیشتر بود، هدف از داشتن شعبات زیاد از گردونه خارج کردن رقبا و پوشش بیشتر بازار سرمایه بود. اما امروزه کشورهای مدرن و کشورهای با رشد اقتصادی بالا را بیشتر در میان کشورهایی با جمعیت و وسعت کمتر می توان یافت. کشورهای اسکاندیناوی را می توان در این مقوله گنجاند، امید به زندگی بالا، توسعه یافتگی زیاد، اقتصاد پویا، سلامت اجتماعی، خدمات اجتماعی بسیار خوب از خصوصیات این کشورهای ریز و کوچک است که اکثرا به اندازه یکی از استان های ایران می باشند.
هدف از این نوشتار نشان دادن تاثیر کوچک بودن یک کشور و وسعت کمتر در میزان توسعه یافتگی آن است.
اتحاد جماهیر شوروی که تقریبا در برهه ای باعث وحشت تمام مغرب زمین بود، در روزهای آخر خود با مشکلات عدیده ی اقتصادی مانند فساد، رشوه، رانت، انحصار دولتی مواجه بود که باعث فروپاشی آن و تبدیل شدنش به چندین کشور شد. کشوری مانند هند با وجود رشد اقتصادی نسبتا خوب و بالا و چشم انداز روشن در دهه های پیش رو، با مشکلات عمده ای مانند فقر، کم سوادی، کمبود بهداشت و نداشتن نظام خدمات اجتماعی خوب مواجه است.
پاکستان با وسعت زیاد و جمعیتی بیش از صد و سی میلیون نفر از فقیرترین کشورهای دنیا است که تقریبا در هر زمینه ای دچار مشکل است.
مصر، لیبی، تونس و کشورهای شمال آفریقا که همه دارای مرزهایی گسترده هستند، چه قبل از بهار عربی و چه پس از آن در گرداب مشکلات سیاسی، اقتصادی خود غرق شده اند.
البته در این میان کشور پهناور جمهوری خلق چین را نیز در مقابل خود داریم که نسبتا دارای رشد اقتصادی خوبی می باشد، البته شایان ذکر است که کشور چین تا قبل از سیاست های باز اقتصادی خود چیزی شبیه اتحاد جماهیر شوروی بود. از طرفی کارشناسان اقتصادی بسیاری به عدم شفافیت های اقتصادی این کشور و مشکلات اجتماعی، سیاسی این کشور خورده می گیرند و اعتقاد بر این دارند که روزی حباب چین نیز مانند اتحاد جماهیر



شوروی خواهد ترکید.
از طرفی کشورهای کوچکی مانند سوئد، نروژ، هلند و دانمارک دارای نظام هایی مدون و منظم هستند که این سیستم شفاف باعث توسعه یافتگی همه جانبه برای چنین کشورهایی شده است.
آیا میان توسعه یافتگی و اقتصاد پویا با وسعت جمعیت رابطه ای مستقیم وجود دارد؟
بهتر است به مثالی ملموس تر در این زمینه اشاره کنم. همان گونه که قبلا اشاره کردم در گذشته تصور بر این بود که هر چه یک شعبه بانک (بانک نماد تفکر و نظام اقتصادی یک جامعه است) بزرگ تر باشد احتمال اینکه بتواند منابع بیشتری را جذب کند بیشتر بود، این نوع دکترین حاکم بر اقتصاد بانک ها باعث شد که آن ها به دنبال خریداری بزرگترین ملک ها و تجهیز آن به نیروی انسانی بسیار جهت ارایه خدمات به مشتریان خود باشند. اما با ظهور اینترنت و دنیای مجازی و به وجود آمدن اقتصادهای آمازونی (برگرفته از سایت آموزون) که بدون داشتن نیروی انسانی زیاد و یا شعبه فیزیکی باعث سودآوری میلیاردی و حتی بیشتر از کشورهای نفت خیز شده اند، تغییر در سبک سلیقه های تازه و شکست دکترین قدیمی و سنتی نمایان شد. داشتن شعبه ای بزرگ در دنیای امروز به معنای هزینه بیشتر و عدم نظارت کافی است. برای اداره شعبه ای بزرگ نیاز به نیروی انسانی زیاد، مصرف انرژی بسیار زیاد است که در بیشتر مواقع به سودآوری زیاد منجر نمی شود، اما داشتن شعبه ای کوچک و شکیل به دلیل هزینه های بسیار کمتر، از همه لحاظ به صرفه تر می باشد. مهم ترین بخش چنین شعبه هایی وجود نظم و امکان نظارت بهتر و جامع تر بر فعالیت های مختلف یک شعبه است. شعبه کوچک مساوی است با هزینه های کمتر، نظارت بهتر، نظم بیشتر و سودآوری بالاتر است.
دقیقا چنین فرضیه ای در مورد کشورهای کوچک هم حکمفرماست، کشورهایی که به دلیل داشتن وسعت و جمعیت کمتر، هزینه های کمتری برای دولت ها دارند و دولت ها و یا نهادهای دولتی می توانند با خیال راحت به خدمات گسترده ای به مردمانشان بپردازند. وسعت و جمعیت زیاد در دنیای کنونی که دنیای اقتصاد و رقابت اقتصادی است (نه جنگ و جنگ آوری) تنها باعث صرف هزینه های بسیار برای خدمات اجتماعی به انبوه جمعیت و بی نظمی بسیار می شود. با توجه به نکته های مورد اشاره در این نوشتار به نظر می رسد که میان توسعه یافتگی و وسعت کشورها رابطه ای مستقیم وجود دارد که طبق آن هر چه کشوری کوچک تر باشد امکان توسعه یافتگی و رشد اقتصادی بیشتری را دارد و برخلاف آن هر چه کشوری پهناورتر و بزرگ تر باشد امکان توسعه یافتگی کمتری حداقل در کوتاه مدت را در پی دارد.
به نظر نگارنده برای توسعه ایران، بهتر است ایران به چند بخش اقتصادی مختلف تقسیم شود که هر کدام توسط سیاست های اقتصادی همان منطقه اداره شود، مثلا می توان با توجه به عوامل محیطی اقتصادی یک منطقه، مالیات هایی کمتر و یا بیشتر برای آن منطقه نسبت به مناطق اقتصادی دیگر تبیین کرد، با این کار دولت نیاز ندارد برای کشور بزرگی مانند ایران بودجه اقتصادی بنویسد، بلکه هر منطقه اقتصادی با توجه به پتانسیل های موجود خود، برای خود بودجه ای تهیه می کند و می تواند مصارف و هزینه های خود را مدیریت کند و باعث سودآوری بیشتر و توسعه اقتصادی شود. بهرحال توجه به چنین مقوله ای برای رشد اقتصادی، خالی از لطف نیست و می توان آن را در دوره ای مورد آزمایش قرار داد تا از نتایج آن به دستاوردهای مهمی دست یافت.

نگرانی کیوسکداران و دکه داران شهر بوشهر



قدیم ترها دکه ها را بابت کمک به افراد کم درآمد و یا گاها معلولین شهر می دادند تا کمکی به قشر آسیب دیده جامعه شود.
بماند که در یک پروسه ده ساله نون دونی برای برخی افراد شده بود که دست به دست می چرخید و در آخر سر افراد بی بضاعت با کارکردنشان در همین دکه ها باز به نوعی استعمار همان واسطه ها می شوند و سود اصلی را همان واسطه های نورچشمی می بردند.
خدا را شکر، شهرداری تا حدودی دست واسطه ها را قطع کرد و مستقیما دکه را به مستضعفینی که در آن اماکن مشغول بودند و یا افراد جدیدی بی واسطه تحویل داده است که تا اینجا همه چیز بهتر شده است.
اما با مصوبه نرخ جدید و افزایش ده برابری و یا دوازده برابری قیمتهای مال الاجاره گاها بین ۷۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان ماهیانه به افراد اجاره داده شده است.
که این نرخ ها اعتراض اکثر دکه دارها را در برداشته است. و می گویند پایان ماه هر چه درآوردیم هزینه برق و کرایه می شود.
امید است با برنامه ریزی دقیقتر و در نظرگرفتن همه جوانب موضوع نرخ گذاری ها صورت پذیرد تا اقشار آسیب دیده جامعه دچار مشکلات بیشتر نشوند.آمین.
(فعالین اجتماعی شهر بوشهر)

باز هم سناریوی تکراری فاجعه در بیمارستان‌ها؛

ناقوس مرگ یا سرنوشت؛ کدامیک گریبان کودک بوشهری را گرفت؟!

به گزارش ایلنا، چند وقت پیش اتفاقی که در بیمارستان خمینی‌شهر اصفهان رخ داد و در آن، بخیه زده شده چانه یک کودک به دلیل عدم وضعیت مناسب مالی در پرداخت هزینه در هنگام کار به دستور پزشک باز می‌شود. این خبر موج اعتراضات گسترده‌ای را به دنبال داشت که با ورود وزیر بهداشت به ماجرا، قصور پزشک و کادر درمانی اعلام و مجازاتی برای آنها در نظر گرفته شد.
همین چند روز پیش در بیمارستان میلاد مردی که به علت تمام شدن اعتبار دفترچه بیمه و نداشتن هزینه درمان، خود را از پنجره طبقه اول به بیرون می‌اندازد.
مرگ مادر جوان پس از سزارین بر اثر استنشاق گاز دی‌اکسید کربن و اکسید نیترو و.... .
کافی است سری به تیتر رسانه‌ها بزنیم تا متوجه شویم روزانه چقدر این حوادث در مراکز درمانی و پزشکی کشور در حال رخ دادن است. اما خبر جدید تکان دهنده است.
خبر ساده نبود. باز هم کودک ۵ ساله‌ای دیگر... باز هم اشتباه... باز هم فاجعه... بعد از «نسترن» دخترک تنگ ارمی؛... این بار نوبت «محمد مهدی» بود انگار...
«محمد مهدی» قربانی یک تب کوچک شد... زندگی ۵ ساله‌ای که بعد از فقط ۷ ساعت حضور در بیمارستان تمام شد و دیگر کاری از کسی ساخته نبود... خبر به سرعت در فضای مجازی دست به دست می‌چرخید. اولش یک خبر کوتاه بود. «محمد مهدی به کما رفت!»، «پسرک ۵ ساله تشنج کرد!»، «فاجعه در بیمارستان خلیج فارس!» و... هر کس لینک خبر را می‌دید شاید آن را باز هم نمی‌کرد. باز هم حادثه‌ای دیگر در بیمارستان خلیج!، این بیمارستان نیست قتلگاه است!، مرگ دست خداست!، عمرش به دنیا نبوده اصلا !، خدا به مادر جوانش صبر دهد!، بیچاره پدرش!، و...
فضای مجازی موضوع را این گونه تعریف می‌کند: «ساعت ۱۶ روز دوشنبه، ۱۳ اردیبهشت ماه ۹۵ کودکی پنج ساله توسط والدینش به بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر منتقل می‌شود. بیماری این کودک که توسط پزشک اطفال اسهال و استفراغ تشخیص داده شده بود، موجب شد تا پزشک مربوطه برای وی دیازپام و داروی ضد تهوع تجویز کند. والدین این کودک با چنین داروهایی مخالفت کرده که ظاهرا توجهی به این موضوع نمی‌شود و به همین دلیل کودک پنج ساله پس از مدتی از حالت عادی خارج شده و علائم هوشیاری خود را از دست می‌دهد. خبرهای دریافتی حاکی است، والدین کودک پنج ساله برای انتقال فرزندشان به شیراز اقدام می کنند اما با مخالفت بیمارستان مواجه می‌شوند و پس از گذشت حدود ۱۶ساعت، کودک خردسال علائم حیاتی خود را از دست داده و توسط پزشکان مرگ مغزی اعلام می‌شود...»

نوش داروی پس از مرگ سهراب !!

بعد از این خبر؛ مسئولان به تکاپو افتادند.. استاندار بوشهر که برای ارائه گزارش عملکرد استان به هیات دولت در تهران به سر می‌برد دستور داد پرونده این کودک ۵ ساله به صورت ویژه در دستور کار قرار بگیرد.
مدیرکل حوزه استانداری به همراه هیات همراه نیز به دستور مصطفی سالاری برای دلجویی از خانواده محمد مهدی به بیمارستان رفتند.
از طرفی دیگر رئیس بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر در رابطه با این موضوع از تشکیل پرونده این کودک توسط تیمی متشکل از متخصص اطفال، متخصص مغز و اعصاب، جراح مغز و اعصاب، متخصص داخلی و عفونی از بدو ورود بیمار و بررسی آن خبر داد... به همین راحتی... اما این پایان ماجرا نبوده و نیست.
پس از جست و جوی فراوان خانواده محمد مهدی را پیدا کردم. به بیمارستان رفتم. یکی از بستگان نزدیک محمد مهدی از لحظه ورود محمد مهدی به بیمارستان را برایم تشریح کرد. «صبح روز دوشنبه پسرمان را پیش دکتر متخصص اطفال بردیم. اسهال داشت. برایش دارو تجویز کرد. تا ساعت یک ظهر داروهایش را به او دادیم. مقداری برنج و ماست نیز غذای ظهرش بود. ساعت ۱۵ مادرش گفت حالش از قبل بدتر شده است و تعداد دفعات اسهالش به مراتب بیشتر از قبل... محمد مهدی را به درمانگاه بعثت بردیم. گفتند باید در بیمارستان خلیج فارس بستری شود.

پرستاران یواشکی به دکتر می‌گفتند تزریق این دارو اشتباه بود

مکثی کرد و ادامه داد: محمد مهدی راه می‌رفت. دوست نداشت کسی بغلش کند. حالش خوب بود. محمد مهدی را به اورژانس انتقال دادیم. ما را به بخش اطفال فرستادند. پدرش بغلش کرد. خانم دکتری برای معاینه آمد. بیست دقیقه‌ای گذشت. حال محمد مهدی بد شد. پرستاران یواشکی به دکتر می گفتند تزریق این دارو اشتباهه.. اما....و وقتی ما از آنها حال محمد مهدی را پرسیدیم در پاسخ به این حال گفتند:« مهم نیست، آب بدنش کم شده، خوب می‌شود.»
سِرُم را به حالت «free» برایش گذاشتند.« اصطلاح خودشان بود»... ساعت ۱۹ بود. محمد مهدی همیشه عاشق آدامس بود.. از بالای سرش آدامسی را برایش تکان دادم.. بچه عکس‌العمل نشان می‌داد. می‌خندید.. اما بی‌حال بود.. سئوال ما این بود... چرا بی‌حال؟! می گفتند چون دارو تزریق شده این حالت را دارد..
خواستیم محمد مهدی را به شیراز منتقل کنیم اما پزشک به شدت مخالفت کرد.
دقایقی گذشت... به فاصله ۵ دقیقه یک بار داد می کشید و دست‌هایش را باز می کرد.. انگار دستش شکسته یا زجرش می‌دهند. صدایش زمخت و گرفته شده بود... از دکتر خواستیم فکری کند. گفت چون بیهوش بوده و سیاهی جلوی چشمانش باعث می‌شود بترسد و داد بزند... چراغ را خاموش کنید تا نترسد..



دورادور پرستار و دکتر را می‌دیدم که در این باره صحبت می کردند و داروهایی که به محمد مهدی تزریق شده بود... «بعدها به ما گفتند هر کدام از این داروها قلب انسانی مثل شما را از کار می‌اندازد»... دیدم پرستار با حالتی نگران به دکتر گفت وااای این دارو اشتباهه... دارو را عوض کنید..
بغضش را فرو خورد و ادامه داد: نخواستیم تعللی در روند کار پزشکی ایجاد شود. در حالی که قبل از این حالت‌ها خواستیم محمد مهدی را به شیراز منتقل کنیم اما پزشک به شدت مخالفت کرد. ساعت ده بود. محمد مهدی را به طبقه سه منتقل کردند. عموهایش آمدند.. چرا بی‌حاله؟! چرا خواب آلوده؟! چرا تکون نمی‌خوره؟؟دکتر: عادیه، دارو گرفته..

پرستاری گفت تا پسرتان از دست نرفته فکری به حالش کنید

دستگاه فشار آوردند! یک دستگاه، دو دستگاه، سومین دستگاه بالاخره کار کرد.. فشار محمد مهدی روی ۷,۳۰بود.. به ما گفتند روی ده هست.. دروغ گفتند. درجه دما را گرفتند. دمای بدن بچه به ۲۵ رسیده بود.. تپش قلبش ۲۱۴ بود...هول شدند.. رفتند..
بالای سرش ایستادیم.. دست و پاهایش یخ کرده بود.. بازویش را نیشگون گرفتم. هنوز کبودی نیشگون روی بازویش هست... بعد از چند دقیقه پرستاری وارد اتاق شد به ما گفت تا پسرتان از دست نرفته فکری به حالش کنید اعتراض کنید..پسر شما در کماست... و از اتاق بیرون رفت..
ما را از طریق حراست بیرون کردند. می‌دیدم که مسئول بخش آ سی یو می گفت: چرا لوله‌گذاری نکردید؟! چرا خدمات اولیه را انجام ندادید؟ چرا اسکن نکردید؟؟ چرا سی تی اسکن نشده و....
پرستاری گفت من درخواست تخت خالی کردم اما نبوده...پیرمردی را جابجا کنید بچه را احیا کنید...

مرگ مغزی اعلام شد

ادامه داد: ساعت ۴ بامداد بود.. سی تی اسکن شد.. تخت خالی شد.. محمد مهدی را به آنجا انتقال دادند.. اما مرگ مغزی اعلام شده بود، حتی برگه انتقال جسد به سردخانه را آماده کرده بودند و اعلام کردند که خانواده‌اش بیایند و با او وداع کنند.. ساعت ۸:۳۰ صبح گفتند پسرتون نه تنها بهتر نشده بدتر هم شده ... متاسفانه بچه شما مشکوک به خونریزی مغزیه.. عجیبه ...پسر ما هیچ سابقه بیماری نداشته، این بچه حتی به زمین هم نخورده... ساعت ۹ صبح به ما اعلام کردند محمد مهدی دچار مرگ مغزی شده است... خانم دکتری بالای سر محمد مهدی حاضر شد.. گفت: یک ساعت دیگه تمومه!! کاری ازم برنمی‌آید... دیگه هم به محمد مهدی سر نزد...

ما برای اهدای عضو محمد مهدی آماده‌ایم

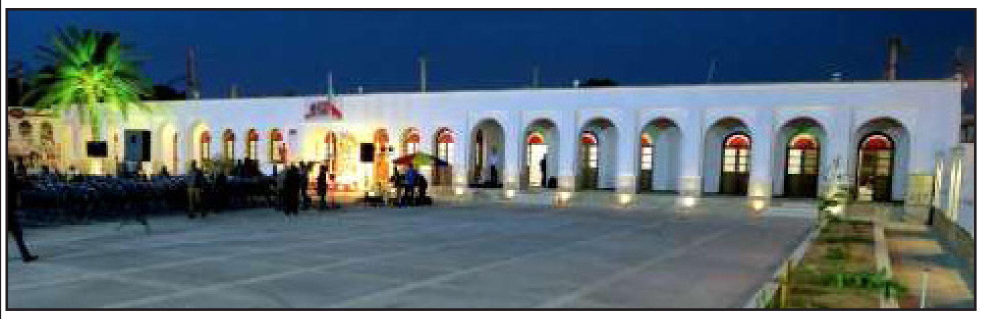
با صدایی لرزان در حالی که خود را برای همه چیز آماده کرده بودم پرسیدم؛ می‌دانم در شرایط روحی خوبی به سر نمی‌برید، اما یک سئوال... در صورت اعلام نتیجه قطعی، به اهدای عضو هم فکر کردید؟! پیشنهاد اهدای عضو را خودم دادم.. ما برای اهدای عضو محمد مهدی آماده‌ایم. می‌خواهیم نامش زنده بماند. ما دنبال مقصر نیستیم دنبال علتیم.. پدرش مشکلی ندارد.. مادرش هم مشکلی نخواهد داشت.. فقط خانم! بچه ما سالم بود... سالم سالم.. مادرش می گوید خدا رو شکر.. پسرم ۴ روزَه زنده است و نفس می کشد..به معجزه اعتقاد دارم.. پسرم را به حضرت ابوالفضل می‌سپارم.. پدرش هم چشمی برایش باقی نمانده... .
نخواستم بیشتر از این اذیت‌شان کنم وقتی کاری از دستم برنمی‌آمد.. قدم زنان محوطه بیمارستان را ترک کردم.. و فقط به معجزه فکر کردم.. معجزه‌ای که محمد مهدی را نجات دهد...

اینجا بوشهر است؛ قطب انرژی کشور

در این گزارش قصد سیاه‌نمایی و زیر سوال بردن جامعه پزشکی را نداریم. اما از کنار سهل‌انگاری و اهمال‌کاری برخی پزشکان نیز نمی‌توان ساده گذشت. اتفاق چند روز گذشته در بیمارستان خلیج فارس بوشهر آنقدر دردناک و غم‌انگیز است که با شنیدن شرح ماجرا از زبان بستگان نزدیک کودک ۵ ساله‌ای که به دلیل بی‌تجربگی پزشک اورژانس اطفال دچار مرگ مغزی می‌شود تنها می‌توانی تاسف بخوری. تاسف بخوری به حال مسوولانی که به مردم نجیب استان بوشهر خدمت می کنند!!! استانی که با داشتن ظرفیت‌های عظیم نفت و گاز و پتروشیمی، منابع طبیعی سرشار و نیروی انسانی توانمند، این‌گونه محروم از کمترین امکانات. اینجا بوشهر است. قطب انرژی کشور. اینجا بوشهر است. صدای کلنگ‌زنی مسوولان به‌گوش می‌رسد. آمار و ارقام موفقیت‌های استان در سطح ملی از تریبون‌های مختلف اعلام می‌شود اما تب محرومیت، مردمش را رها نمی‌کند. به راستی مشکل از کجاست؟ شما قضاوت کنید... .

گزارش از: فریبا کرمی

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



بار دگر آمده این مدرسه قرین به سعادت

ناصر علیخواه: توجه ویژه مردم استان بوشهر به فرهنگ و ادب و ... سابقه تاریخی دارد. در این خطه زرخیز، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و بزرگانی در آسمان فرهنگ و هنر کشور درخشیده اند که نام و یادشان زینت بخش همواره تاریخ این سرزمین باقی خواهد ماند.

اهمیت همین مردم به آموزش و تعلیم و تربیت بود که احمدخان دریابیگی را در سال ۱۲۷۸ شمسی، برآن داشت تا مدرسه ای را به سبک نوین آموزشی تاسیس کند، مدرسه ای که تنه به دارالفنون زد و از نظر تاریخی مادر مدارس جنوب ایران شد. مدرسه ای که محمد باقر بهبهانی، شیخ محمدحسین سعادت و برادرش شیخ عبدالکریم سعادت معلمانش شدند تا دریچه ای تازه و گرانبها از آموزش و تعلیم و تربیت را بر روی بوشهری ها بگشاید.

بر این مدرسه حکایت ها رفت و کم لطفی ها و بی توجهی های بسیاری دید، اما سعادت از طوفان ها و تندباد حوادث به سلامت عبور کرد و به ثبات و قرار رسید و با دعوت از معلمین شایسته و فاضل و تدریس آن فرزانگان، محیطی سرشار از تفاهم و آرامش برای بالندگی علمی به وجود آورد و چراغ علم و دانش در جنوب ایران را روشن نگه داشت.

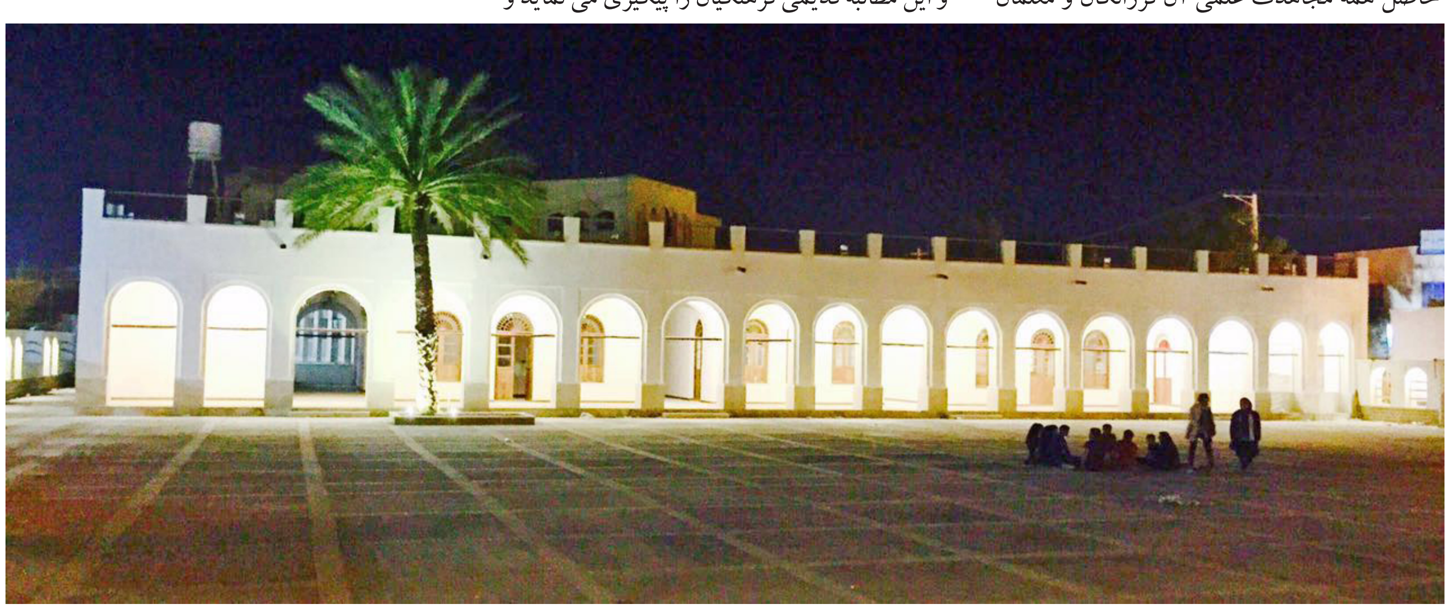
حاصل همه مجاهدت علمی آن فرزانگان و معلمان گرانقدر، پرورش ده ها نفر دانشمند، سیاستمدار، شاعر، نویسنده، مورخ، محقق و ... بود که باعث شدند تا نام بوشهر در محافل ملی و بین المللی پرآوازه گردد.

اما افسوس که قدر چنین گوهر گرانبهائی دانسته نشد و بی مهری روزگار، باعث سردی و خاموشی آن آتش فروزنده علم و دانش در جنوب ایران گردید.

از رونق افتادن مدرسه تاریخی سعادت و تبدیل آن بنا که نشان از هویت فرهنگی و آموزشی استان بوشهر داشت، به ویرانه ای رها شده، باعث افسردگی همراه با ناله فرهنگیانی شد که سالها در آن ساختمان تاریخی علم آموخته و یا علم آموزی کرده بودند. مطالبه دیرینه فرهنگیان و دلسوختگان نیز در این سالها به جائی نرسید و از سوی هیچ مسئولی شنیده نشد تا هربار که از کنار آن ساختمان کهن می گذشتیم، سرمان را از شرم به زیر بیاندازیم تا نگاهمان نگاه سوال آمیز آن مدرسه که چرا این گونه مظلومانه رها شده است، تلاقی نکند.

اما با طلوع دولت تدبیر و امید و انتخاب دکتر روحانی و انتصاب دکتر سالاری به عنوان استاندار بوشهر، این با رقه امید در دل فرهنگیان زنده شد که دریابیگی دیگری آمده است که قدر هنر و فرهنگ را می داند و این مطالبه قدیمی فرهنگیان را پیگیری می نماید و بیراهه هم نبود این امیدواری چرا که با توجه استاندار فرهنگ دوست و زحمات همراهان و همکاران وی از جمله آقایان زرین فر معاون استاندار، قیصی زاده مشاور استاندار، باستی معاون عمرانی استاندار، فروزانی مدیرکل میراث فرهنگی و عوض پور رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی و تلاش کارشناسان و کارکنان میراث فرهنگی و گردشگری متوجه احیاء نشانه های فرهنگی و تاریخی استان گردید و در همین راستا در ماه گذشته شاهد پایان مرمت آرامگاه شیخ حسین خان چاهکوتاهی و ساخت آرامگاه شادروان منوچهر آتشی و افتتاح فرهنگسرا در آن جا بودیم و امروز نیز شاهد پایان مرمت و افتتاح مدرسه تاریخی سعادت هستیم تا بار دیگر سرافرازانه و با افتخار برای فرزندانمان این شعر «فرصت الدّوله شیرازی» را بخوانیم که:

شد چو بپا این بنا بیمن و سعادت
علم و ادب هر دو کرد رو بزیادت
نام سعادت نهاد با نیش از خیر
گشت مروّج علوم را بارادت
فرصت بنمود فکر و گفت به تاریخ
آمده این مدرسه قرین به سعادت



کشف و شناسایی یک بیماری نادر توسط پزشک نخبه بوشهری



بیماری نادر ZAP۷۰ (زپ ۷۰) که یک بیماری نقص ایمنی است، برای اولین بار در ایران در یک کودک سه‌ساله بوشهری کشف و شناسایی شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، فوق تخصص آسم، آلرژی و بیماری‌های نقص ایمنی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: بیماری نادر ZAP۷۰ (زپ ۷۰) که یک بیماری نقص ایمنی است، برای اولین بار در ایران در یک کودک سه ساله بوشهری کشف و شناسایی شد.

عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با اشاره به اینکه پیش از این ۱۴ مورد بیماری ZAP۷۰ در دنیا شناخته شده بود خاطرنشان کرد: دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به عنوان رهبر تحقیقاتی این تیم پژوهشی، فعالیت‌های مشترکی به همراه دانشگاه لوان بلژیک، دانشگاه کارنیستای سوئد و دانشگاه علوم پزشکی تهران را به انجام رساند که منجر به شناخت پانزدهمین مورد از این بیماری نادر شد.

دکتر افشین شیرکانی تصریح کرد: در بیماری ZAP۷۰ سیستم ایمنی بدن به درستی فعالیت نکرده و باعث عفونت‌های مکرر از جمله سینوزیت مکرر، ذات‌الریه مکرر، عفونت‌های مکرر خونی یا منثریت مکرر، بستری شدن‌های مکرر، افت پلاکت خون و خون‌مردگی شده که در نهایت منجر به فوت بیمار می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به تشخیص و درمان زودهنگام بیماری در این کودک، وی در حال حاضر وضعیت مطلوبی داشته و این‌گونه بیماران با پیوند مغز استخوان به بهبودی ۱۰۰ درصدی خواهند رسید.

فوق تخصص آسم، آلرژی و بیماری‌های نقص ایمنی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: پیش از این ژن عامل بیماری‌زای ZAP۷۰ در دنیا ناشناخته بوده است که برای اولین بار در بوشهر با مطالعه ژنتیکی، این ژن استخراج و به زودی نتایج این پژوهش در ژورنال معتبر آسم و آلرژی و ایمونولوژی به چاپ خواهد رسید.

شیرکانی تصریح کرد: در هشتمین کنگره بین‌المللی نقص ایمنی، دانشمندان سطح اول بیماری‌های نقص ایمنی از کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا حضور داشتند که پروفسور هانس استاد دانشگاه سیاتل آمریکا، پروفسور اشمیت استاد دانشگاه هانوفر آلمان، دکتر النورا گامبیرینی استاد دانشگاه پیوند مغز استخوان بیمارستان فیرنز ایتالیا از چهره‌های برجسته این مراسم بودند.

تلفن های هفته نامه نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱

در اداره فرهنگ و ارشاد بوشهر چه می گذرد؟



بابک شاکر - شاعر و فعال فرهنگی

همانطور که واضح و مبرهن است مدیریت علمی است تابع چرخه اصلاح و بازنگری مداوم، از طرفی فرهنگ در یک شهر علاوه بر پدیده ای زیربنایی، نشان از آگاهی و شناخت در یک جامعه مدنی دارد.



متاسفانه از زمان تصدی سمت مدیر کل وقت ارشاد تا کنون هیچ اقدامی در جهت امور مرتبط با فرهنگ در استان بوشهر که نشان از یک مدیریت قوی و اثربخش باشد، دیده نشده است، آیا در راستای چرخه اصلاح و بازنگری وقت آن نرسیده این اداره کل متولی امر فرهنگ!! لااقل وظیفه تصدی گری خود را به طرزی بهینه انجام دهد:

۱- انجمن های فرهنگی کاملا تعطیل و بدون فعالیت هستند. ۲- هنرمندان دارای شناسنامه رها شده و بدور از هرگونه حمایت معنوی به سر می برند. ۳- اقدامات فرهنگی در سطح استان بی فروغ و کم رنگ است. ۴- در مناسبات مهم ملی صرفا به نصب بنری اکتفا کرده و هیچ برنامه ریزی مناسبی به عنوان مثال جهت روز خلیج فارس انجام ندادند. ۴- چند همایش یا نشست فرهنگی - ادبی یا سینمایی در شهر شعر و ادب و زادگاه چهره های ماندگار ملی ادبی تا کنون برگزار شده است؟ ۵- موسیقی محلی بوشهر هیچ گونه حمایت صحیحی از طرف این اداره کل نمی شود و گروه های فعال و فرهیخته در این شهر مجوز اجرا نمی گیرند اما در استانهای دیگر فعالیت چشمگیر دارند. ۶- دانشگاه فرهنگ و هنر فاقد مؤلفه های مناسب علمی و مدیریتی می باشد. ۷- توزیع عادلانه و مناسبی در خصوص حمایت از مطبوعات محلی صورت نمی گیرد.

لذا به نظر می رسد با توجه به موارد فوق و عدم دستیابی مناسب به اهداف فرهنگی هم راستا با استراتژی های دولت وقت ضعف عملکردی مدیریت ارشاد استان کاملا مشهود است و می بایست تدبیر مناسبی اتخاذ شود.

استقبال مردم بوشهر از سینما



یادمان شیخ حسین (سالار اسلام) به مناسبت روز خلیج فارس

جشن فرهنگ دوستان در جوار سالار اسلام و آرامگاه آتشی

همزمان با شب مبعث رسول اکرم (ص) یادمان شیخ حسین چاهکوتاهی (سالار اسلام) به مناسبت پاسداشت روز ملی خلیج فارس در جوار آرامگاه وی برگزار شد.

به گزارش ایرنا، معاون توسعه مدیریت و منابع نیروی انسانی استانداری بوشهر با تبریک مبعث رسول اکرم (ص) در این آئین، گفت: این منطقه از کشور برای حفظ مرزهای خلیج فارس به رهبری افرادی چون شیخ حسین چاهکوتاهی، رئیسعلی دلواری، معتقد اهرمی و دیگران از گذشته شناخته شده است.

سعید زرین فر افزود: تاکنون این اطلاعات به نحو مطلوب به نسل جوان و نوجوان منتقل نشده که ما موظفیم برای دادن اطلاعات درست و کامل به این قشر برنامه ریزی و اقدام کنیم.

وی اظهارکرد: در این زمینه بنیاد ایران شناسی و میراث فرهنگی و حوزه هنری اقداماتی را انجام داده اند ولی کافی نیست و باید به صورت علمی و درست ادامه داشته باشد.

وی با بیان اینکه توجه به مسائل فرهنگی در اولویت برنامه های استاندار بوشهر قرار دارد، بیان کرد: باید با روشهای مختلف بویژه در زمینه هنر تاریخ بزرگ منطقه خود و کشور را به نسل جوان منتقل کنیم.



مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: برای اجرایی شدن این پروژه افراد زیادی با تمام مشکلات و موانعی که وجود داشت تلاش کردند.

محمدابراهیم فروزانی اظهار کرد: این پروژه دارای سه بعد اهمیت درگذشته، حال و آینده برای ما دارد که امیدواریم این پروژه آغازی برای اقدام پروژه های تاریخی دیگر باشد.

وی بیان کرد: در این مکان آرامگاه دو نفر از بهترین نام آوران استان قرار دارد که شیخ حسین چاهکوتاهی با خون خود و منوچهر آتشی با خون قلم در شعر و زبان شعر خود ماندگار و برای استان افتخار شدند.

در این آئین از خانواده شیخ حسین چاهکوتاهی و دست اندرکاران پروژه فرهنگسرای شیخ حسین چاهکوتاهی تجلیل شد.

اجرای موسیقی محلی، موسیقی کلاسیک، خوانش شعری از منوچهر آتشی توسط ایرج صغیری از دیگر برنامه های این آئین بود.



متن نامه سرگشاده خطاب به وزیر فرهنگ و رئیس سازمان میراث فرهنگی در خصوص ضرورت حفظ ساختمان اولین سینمای بوشهر

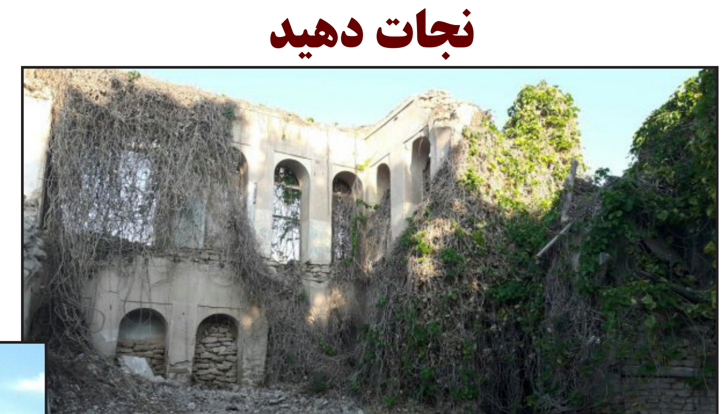
اولین سینمای بوشهر را از نابودی نجات دهید

جناب آقای علی جنتی؛ وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی!

جناب آقای مسعود سلطانی فر؛ معاون محترم رئیس جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی!

با سلام

ساختمان اولین سینمای بوشهر- و چهارمین سینمای ایران- موسوم به سینمای درخشان یا سینمای حاج یحیی شیرزادی فیروزی احداثی به سال ۱۲۹۸ در محله کوتی واقع در بافت تاریخی بوشهر که در مالکیت سازمان میراث فرهنگی بوده در حال حاضر متروکه و در معرض خطر تخریب قرار گرفته است. این بنا از قدیمی ترین و معدود یادگاران در نوع خود در کل کشور می باشد. همانگونه که مستحضرید و به تصریح اساتید امر، حفظ برخی بناها حتی با شرایط دشواری که دارند و تلاش برای احیاء و تثبیت آنها می تواند سند اعتبار تمدن و فرهنگ پیشینیان باشد



- آنچه امروز بعنوان جاذبه توریسم تاریخی و فرهنگی شناخته می شود. و عجیب آنکه در جغرافیایی که همسایگان جنوبی ما به فراست در کار جعل هویت و تاریخ بوده و با الگوبرداری از معماری ایرانی، در حال ساخت شهرک های بی سابقه می باشند، ما با فترت و بی توجهی به داشته های اصیل و ارزشمند خویش، زمینه ساز تخریب آنها را فراهم می نماییم و در رقابت تنگاتنگ منطقه ای و جهانی برای جذب توریسم، گاهی در خلاف مسیر حرکت می نمائیم.

بدینوسیله جمعی از هنرمندان، متخصصین، نویسندگان، فعالین مدنی، شهروندان و دوستداران بافت تاریخی بوشهر، حفاظت مرمت و احیاء ساختمان ارزشمند این سینما را با کاربری پیشنهادی «موزه تاریخ سینمای بوشهر» از جنابعالی و مجموعه تحت هدایت خواهان و خواستاریم تا مگر از این رهگذار بخشی از آثار تمدن و هویت تاریخی، هنری و فرهنگی مردمان این دیار حفظ و به آیندگان انتقال یابد.

کمپین نجات بافت تاریخی بوشهر.

